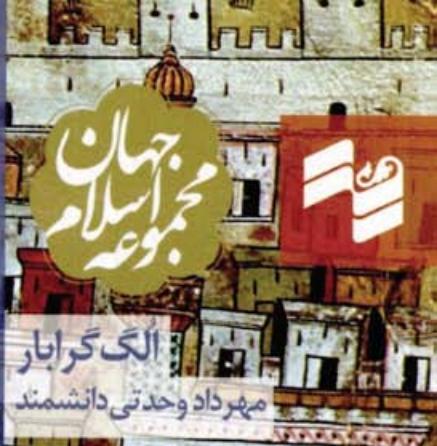
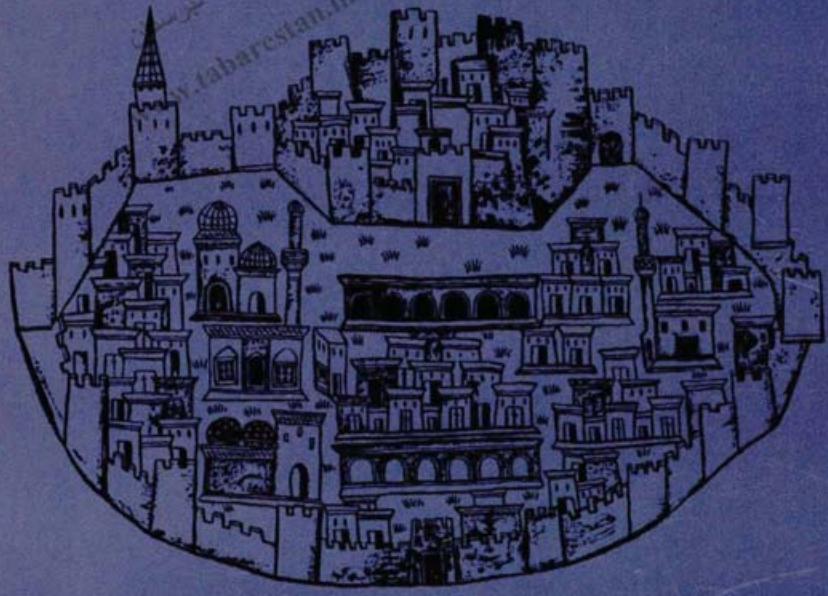


شهر در جهان





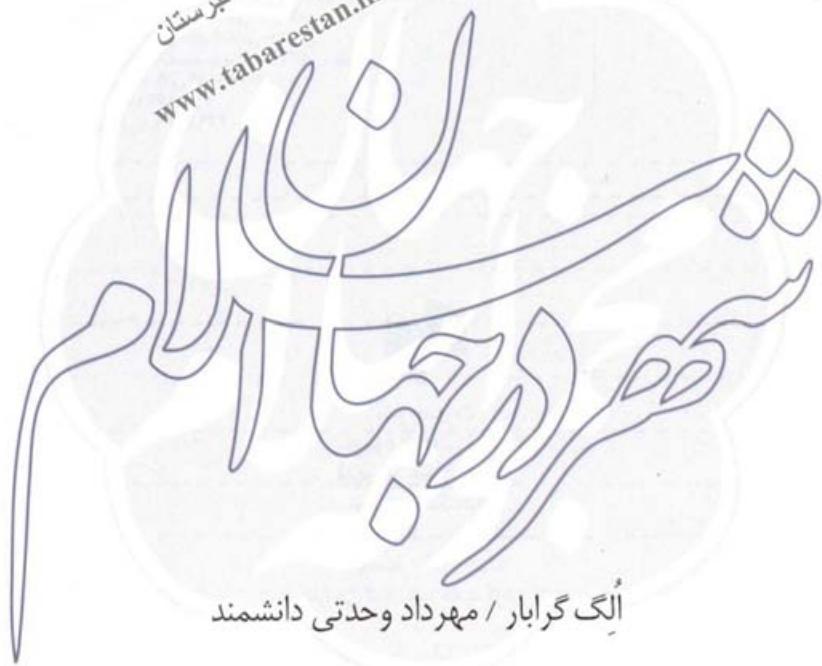
پیشکش په تبرستان
www.tabarestan.info



بستان
تبارستان

tabarestan.info

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info



الگ گرابار / مهرداد وحدتی دانشمند



سرشناسه : گرابار، الک. ۱۹۲۹. م.

Grabar, Oleg

عنوان و نام پیداوار : شهر در جهان اسلام/نویسنده الک گرابار : مترجم مهرداد وحدتی دانشمند.

مشخصات نشر : تهران: بصیرت. ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۸۰ ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۹۲۳۶۰۱

و ضمیت فهرست توییس : قبیلا

پاداشرت : کتاب پاخر ترجمه بخشی از کتاب "The world of Islam: faith, people, culture"

موضوع : شهرسازی - جنبه‌های مذهبی - اسلام

موضوع : شهرسازی - کشورهای اسلامی - تاریخ

شناخت افزوده : وحدتی دانشمند، مهرداد. ۱۳۲۴. - مترجم

رده بندی کنکره : ۱۳۹۰. شن ۴۵

NAT۸۰+۷۲۰۰۶۷۱۷۶

رده بندی دیوبی : ۲۲۹۷۶۴۹

شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۹۷۶۴۹



نشر بصیرت

(مجموعه جهان اسلام)

شهر در جهان اسلام

نویسنده : الک گرابار

مترجم : مهرداد وحدتی دانشمند

ویراستار : غزل تابنده

طراحی گرافیک : حمید گودرزی

توبت چاپ : اول/ ۱۳۹۰

شمارگان : ۳۰۰۰ نسخه

قیمت : ۷۰۰۰ تومان

چاپ، لیتوگرافی و صحافی: شرکت چاپ و نشر کیمیای حضور

© همه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان ابوریحان، شماره ۹۴

تلفن: ۰۶۴۰۶۵۰۵ و ۰۶۴۲۱۵۸۷۹ نمبر: ۶۶۴۲۱۳۹۲

www.hekmat-ins.com info@hekmat-ins.com

فهرست

پیشکش په تبرستان
www.tabarestan.info

۹	-	مقدمه
۱۶	-	زمان، مکان و منزلت
۲۰	-	محلات
۲۶	-	جامعه دینی
۳۲	-	ثروت
۳۶	-	حکومت
۴۱	-	دانقه
۴۴	-	شهر اسلامی: تنش و انعطاف
۴۸	-	تصاویر

پیشکش په تبرستان
www.tabarestan.info

۶۰ مقدمه

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info



در موزه هنر اسلام و عرب قاهره کتیبه‌ای است
به تاریخ ۴۰۲ که با نام و یاد خدا و نقل آیه‌ای از
قرآن آغاز می‌شود و به شکل زیر ادامه می‌یابد:

این مسجد مبارک به دست حسین بن
عبدالله بن محمد بن سلسله، تاجر پارچه،
با هدف رضای الهی و کسب آخرت ساخته
شد. خدا بیامرزد کسی را که او را در حیات و
ممات از دعای خیر بی نصیب نگذارد. نخلی
که در مسجد است قوت مسلمین است نه
بپر بیع و شراء.

هیچ کس نمی‌داند این کتیبه از کجا آمده،
مسجد نامبرده در کجا قرار دارد و تاجر پارچه
که بوده است. اما در هر صورت، پارسایی
بی‌آلایشی که در این سنده در شرح تک نخلی،
که احتمالاً در صحنه کوچک مسجدی بوده،
تجسم می‌یابد، مارا به دنیایی متفاوت از دنیای
شاهان یا نظامیان کشورگشا، فرمانروایان
سرزمین‌ها، سازندگان کاخ‌ها و آنانی می‌کشاند
که به توزیع سکه‌های زر و بخشش خلعت به
زیردستان لایق یا متملق خود می‌پردازند. این



منظرة شهر اسلامی: تصویر از سفرنامه نصوح المطراقی (قرن دهم) نمایانگر شهر بتلیس
بدلیس (ترکیه).

عالیم، عالم متفکران انعطاف‌ناپذیری نیست که ارزش عقل یا وحی را می‌ستجند، یا عالم عارفانی که به غور در واقعیتی دیگر و عمیق‌تر می‌پردازند. گرچه ممکن است تمامی این عوالم بر حسب ضرورت مادی و معنوی به شکلی تفکیک‌ناپذیر در هم تنیده باشد، این کتبیه از وجود طبقه‌ای عمل‌گرا، این جهانی اما خداترس در جامعه سنتی اسلامی خبر می‌دهد. این مسجد خواه در شهری کوچک در مصر، خواه در محله‌ای در قاهره، در فراسوی فاصله‌ای که از آنجا می‌شد مناره‌ها پیش را دید دیگر معنا نداشت. در عین حال تردیدی نیست که تاجر مورد بحث «مردی متمول» بود متفاوت با فقرایی که درخت نخل وقف سد جوع آنها شده بود و متفاوت با پارچه‌بافان.

کتبیهٔ قاهره تنها روزنی نیست که امکان نگاه اجمالی به مردانی چون حسین بن عبدالله را در اختیار ما می‌گذارد. دانشمند حنبلی، این‌بنا، که در بغداد می‌زیست بخشنی از خاطرات خود را به جای گذاشته، که کمی بیش از یک سال از زندگی وی از ۴۶۱ تا ۴۶۲ را شامل می‌شود.

این خاطرات حاوی تصویری خارق العاده از فعالیت‌های روزمره «شهروندی» در پایتخت امپراتوری است: ثبت موالید، تعبیر خواب، خواندن نماز میت، مطالعهٔ آنچه در اطراف می‌گذرد و گوش سپردن به حرف‌های دیگران. وی نقل می‌کند که در یکی از روزهای سال ۴۶۲ پس از برخور迪 میان سربازان ترک و نمازگزاران فتنه‌ای برخاست. برای حل و فصل مسئله، هیئتی به دیوان یا مقر حکومت اعزام شد. این هیئت متشکل بود از فقهاء، اشراف، تجار و معاريف (آمایل). چندین جلسه برگزار شد، تعدادی برای قرائت قرآن و تعدادی دیگر برای گردآوری وجوهات و برای آرام کردن توده مردم لباس و آذوقه در میان آنان توزیع شد. در این روایت، مثل بسیاری از دیگر روایات، با مجموعهٔ خاطرات نه یک فرد واحد بلکه طبقهٔ مشخصی از معاريف مواجه‌ایم که به لحاظ سیاسی در مسائل دینی فعال بودند؛ طبقه‌ای که نه قدرت رسمی داشتند و نه در شورش‌های شهری مشارکت می‌کردند.

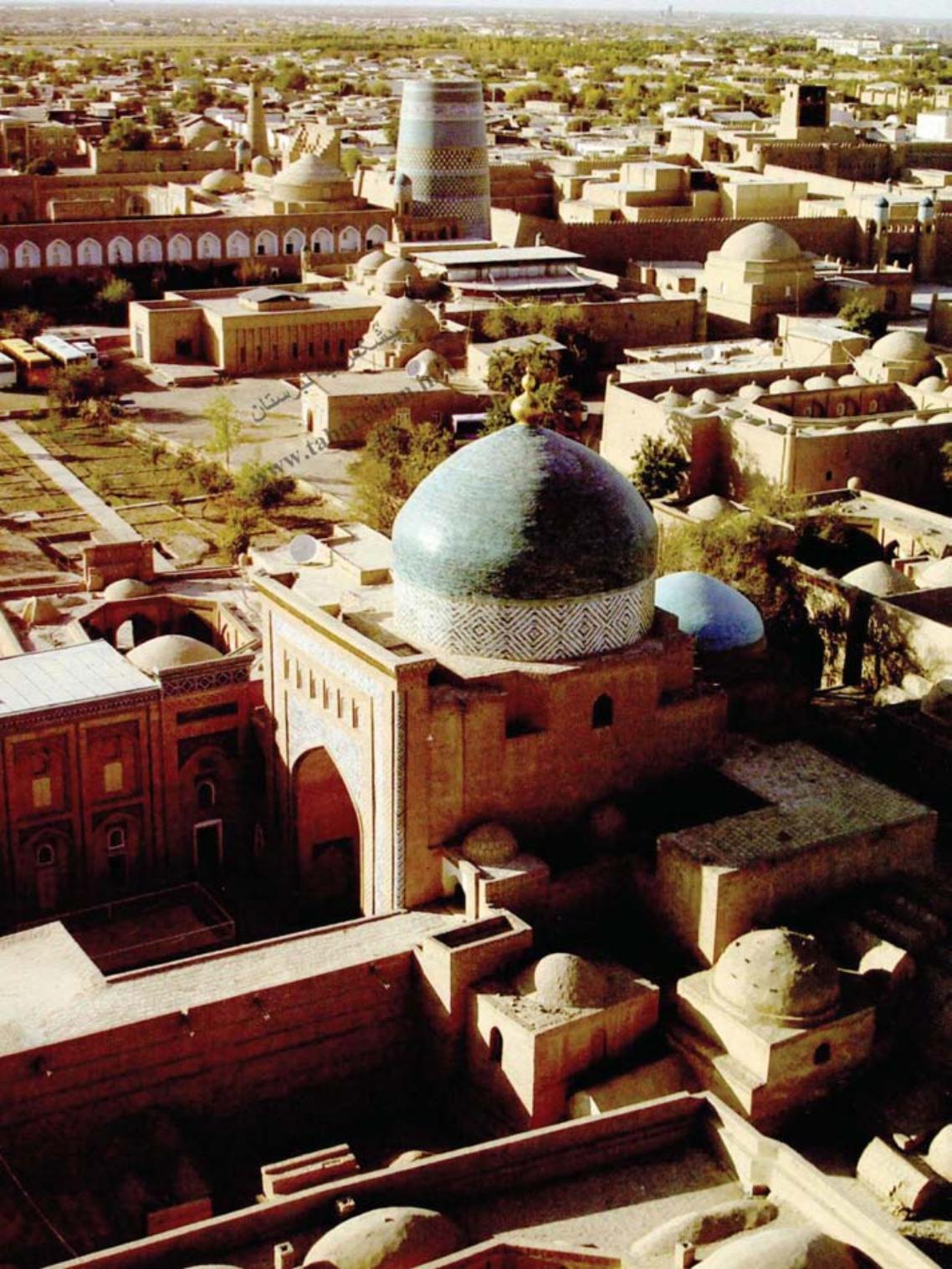


منظره کاشان، ایران، در اوایل قرون دوازدهم. این گراور از سفرنامه‌ای است که در سال ۱۱۲۳ در امستردام منتشر شده است. گرچه جزئیات آن موقّع نیست، حس خوبی از شهری محصور در بارو با خانه‌های تنگاتنگ و سلطه‌گبدها و مناره‌های مساجد به دست می‌دهد. در سمت چپ کاروانسرایی بزرگ قرار دارد. کاشان یکی از مراکز تولید سفال ایران بود.

و سرانجام اینکه در قاردادهای فروش و اسناد وقف قرن‌های چهارم و پنجم، که اخیراً در دمشق منتشر شده، تاجر پارچه‌دیگری معرفی می‌شود که املاک بسیار وسیعی را در خارج شهر با درآمد کشاورزی چشم‌گیر از یک یهودی و از دو دختر مردی، که گویا ثروتمند بوده، خریداری کرده است.

به سادگی می‌شود چندین برابر این گونه نمونه‌های کار و فعالیت در طبقه‌ای از مردان و زنان را یافت که بر جهان اسلام حکم نمی‌رانند. ولی بخش اعظم ثروت و فعالیت آن را در اختیار داشتند و بیشتر مصرف‌کننده‌اندیشه و فرهنگ بودند تا آفرینندگان آن. آنان را معارف و در ادوار بعد رجال نامیده‌اند، اما شاید بهتر باشد آنان را طبقهٔ متوسط نامید زیرا باید و تعدد معانی ضمنی این واژه بسیاری از جنبه‌های این طبقه از مردمان را منعکس می‌کند.

در نگاه اول سه ویزگی به عنوان مشخصهٔ نوعی طبقهٔ متوسط مسلمان به چشم می‌خورد. یکی حضور فراگیر بازرگانان، به‌ویژه پارچه‌فروشان در میان آنان است. موقعیت جغرافیایی خاورمیانه و خاستگاه‌های اجتماعی - عقیدتی رهبران صدر اسلام، که از طبقهٔ بازرگان مکه و مدینه بودند، توضیح واضحی از موقعیت ممتاز بازرگانان در جامعهٔ مسلمان در اختیار می‌گذارد. ویزگی دوم رابطهٔ مداوم طبقهٔ متوسط بازرگانان با فرقه‌گرایی یا بدعت‌گذاری در اسلام و یا صرف‌همراهی با تغییرات ماهیت و جهت دینداری سنتی بود. به طور کلی رشد جنبش‌های دینی و مذهبی چون تشیع، مذهب حنبلی و تصوف نمی‌توانسته بدون حمایت فعالانه و مشارکت طبقهٔ متوسط صورت گرفته باشد.



برستان
www.tahaneh.com

ویرگی سوم مربوط می‌شود به رابطه قشر معینی از اجتماع با جهان پرامون آن، با دارایی‌ها و با قدرت. از یک طرف به قول اس. د. گویتاين^۱ «اسلام اولیه نسبت به فعالیت‌های اقتصادی، تجمل و انباشت ثروت نگرشی مثبت یا دست کم آسان‌گیرانه داشت». از سوی دیگر بسیاری از عرف، حتی انسان‌های اخلاق‌گرای عادی مانند ابن مسکویه در قرن چهارم، به مخالفت با مال‌اندوزی به ویژه تجملات شخصی گرانبها می‌پرداختند؛ هرچند دلایل اینان متفاوت بود؛ عارف ثروت را شر می‌دید در حالی که ابن مسکویه کسب ثروت را شهوتی پست‌گتنده و تضعیف‌گتنده می‌دانست. به هر صورت، این نتیجه عملی را می‌توان استنباط کرد که موضوعی دوگانه نسبت به جمع‌آوری اموال وجود داشت. آنچه به همین اندازه مهم است، و در سال‌های اخیر به مرأت بیشتر محل بحث بوده‌است. وجه تهدادی تجارت و اصناف و سازمان‌های مربوط به تجارت در اسلام و ناکامی یا بی‌میلی یا ناتوانی مستهود آنها در ایجاد نهادهای شهری مشابه نمونه‌های غربی است. بهترین پاسخ‌گویی به همه این پرسش‌ها در بستر یک وجه اساسی و هر چند فرار مربوط به طبقهٔ متوسط امکان‌پذیر است: رابطهٔ فیزیکی تنگاتنگ آن با شهر و نظام شهری.

وارای جامعهٔ گستردهٔ مؤمنان - دارالاسلام تحت فرمانروایی خلیفه - برای اکثر مسلمانان هیچ‌گونه مبنای تعهد متداوم و منسجم دودمانی یا منطقه‌ای به جز شهرشان وجود نداشت و در نتیجهٔ تاریخ‌های دوران قرون وسطای اسلامی یا مبتنی بر تاریخچه‌هایی سلسله‌ای یا تاریخچهٔ شهرهای است. دستهٔ اخیر گرچه در عربی «تاریخ» نامیده می‌شود شامل سرح تحولات شهرها به ترتیب زمانی نیست. گرچه غالباً در آنها توصیفی دقیق از وضعیت شهر در زمان زندگی مؤلف می‌آید، این گونه تواریخ عمده‌ای تشکیل می‌شود از سیاههٔ دور و دراز و سرح احوال علماء و بزرگان شهر. این زندگی‌نامه‌ها، که به واقع نام هزاران تن در آنها به چشم می‌خورد، و هیچ‌گاه به شکلی سازمان یافته پردازش نشده‌اند، در واقع استند مکتوب طبقهٔ متوسط شهری را تشکیل می‌دهند. از آنها این گونه برمری آید که شهر تنها یک بستر فیزیکی نبوده بلکه حاصل احوال و اعمال موفق‌ترین اعضای خانواده‌های مهم آن بوده است.

از قرن ششم به بعد منابعی داریم که بیشتر به خود شهرها می‌پردازند تا احوال مردان آنها یا خصوصیات ویژه و محدود شهرها.

برای مثال الخطط مقریزی، که در میانهٔ قرن نهم تألیف شده، شرح مفصل و بی‌همتایی از یکی از بزرگ‌ترین کلان‌شهرهای اسلامی در اختیار می‌گذارد. متأسفانه هیچ اثر مشابه آن برای هیچ شهر دیگری وجود ندارد و نسخه‌های چاپی الخطط فاقد ویرایش صحیح‌اند.

دلیل دیگر برای بررسی نقش طبقهٔ متوسط در شهرها توجه فراوان اسلام، به ویژه در قرون اولیه، به ساخت مراکز شهری و حفظ و توسعهٔ مراکز شهری قدیمی بود. معدودند فعالیت‌هایی که بیش از

شهرها نیازمند سرمایه‌گذاری مستمر پول و تلاش باشند. با اتکای صرف به متون، به دشواری می‌توان از تعیینهای کلی گذر کرد و به سمت جزئیات سکونت‌گاهی معین یا جزئیات حیات شهری رفت. گهگاه رویدادهای نقل شده در وقایع‌نامه‌ها یا آثار ادبی برخی جنبه‌های شهرها را روشن می‌سازند. از اینکه بگذریم، بیشتر از منابع ادبی، منابع باستان‌شناختی است که اطلاعات لازم را برای بازسازی شهرهای اسلامی در دوره قرون وسطی در اختیارمان می‌گذارد. حفاری‌هایی در محدوده واقعی یا فرضی شهرها در فسطاط، در سیراف واقع در جنوب ایران و قصرالحیر شرقی در سوریه انجام گرفته‌اند اما دو نمونه اخیر، به‌ویژه قصرالحیر، احتمالاً به دلیل فاصله زیاد با مراکز اصلی قدرت اسلامی نمی‌توانند به عنوان منابع اطلاعات باستان‌شناختی آن طور که باید مفید باشند.

منابع باستان‌شناختی و تجسمی دارای دو جنبه دیگر در توصیف طبقهٔ متوسط سوداگراند. یکی اشیایی است که صرف‌نظر از شیوه ساخت می‌توان فرض کرد که مورد استفاده طبقهٔ متوسط بوده است. پژوهش در مورد این اشیاء مستلزم استفاده از روش‌های تحلیلی بسیار متفاوت است، از آثار گرفته تا تاریخ هنر. جنبه دیگر به تصاویر برمی‌شود. پیش از دوره عثمانی نقشه‌های جغرافیایی، پرش افقی یا تصاویری که از شهرها ترسیم می‌شد انگشت‌شمار بود اما یک سند بسیار جالب درباره طبقهٔ متوسط در تصاویر نسخه‌ای از مقامات حریری از قرن هفتم وجود دارد که بیشتر فعالیت‌های این طبقه را نشان می‌دهد.

مهمنترین دغدغه من در اینجا ترکیب هویت کالبدی شهر با زندگی، فعالیت‌ها و نهادهای نخبگان شهری است. در سرتاسر این مقاله تأکید بر دورهٔ زمانی سال‌های ۷۰۰ تا ۲۰۰ هجری خواهد بود که به تصدیق همگان نقطه اوج زندگی طبقهٔ متوسط سوداگران بوده است. در مواردی چند، اطلاعات ادوار بعد نیز به کار گرفته خواهد شد.

زمان، مکان و منزه

پیشکش یه تبرستان
www.tabarestan.info

هنگام بررسی و توصیف شهرهای اسلامی سه متغیر را باید در نظر داشت که عبارتند از: ابعاد و اهمیت شهر، زمان دقیق دوره تحت بررسی و منطقه جغرافیایی مورد بحث. توضیح مختصراً در خصوص هر سه متغیر ضروری است.

مقدسی، جغرافی دان قرن چهارم سعی کرد سلسله‌مراتبی برای شهرها وضع کند، از کلان شهر (مصر) گرفته تا پایتحت (قصبه)، شهر (مدینه) و شهر عادی (بلد). دیگر جغرافی دانان شریعت‌مدارتر شهرها را بر حسب وجود منبری که خطبه به نام سلاطین از فراز آنها خوانده می‌شد تقسیم می‌کنند. هیچ یک از این دو معیار تمیز کاملاً معتبر نیست. به سهولت می‌توان تناقض‌های بسیاری در استفاده از اسمی ای که مقدسی به شهرها داده مشاهده کرد. به همین نحو، کثرت بیش از حد منابر، آنها را به عنوان معیار در طبقه‌بندی شهرها کاملاً بی‌صرف می‌سازد.^۱ در نبود یک سیستم درجه‌بندی یا گونه‌شناسی منسجم برای شهر در جامعه اسلامی (چیزی نظری نواحی اسقفنشین در غرب؛ یا سکونت‌گاه‌های نظامی رومی)، می‌توان بر حسب سطح مداخله آنچه من حکومت می‌نامم، یعنی ترکیبی از نیروهای اجتماعی، سیاسی یا نیروهای دیگر که به شکل عملی یا نظری گرایش به یکارچه‌سازی جهان اسلام داشتند نوعی سلسله‌مراتب برای شهرهای اسلامی تعیین کرد.

این مداخله اشکال بسیار به خود گرفت. یکی اینکه از آغاز اسلام تعدادی از شهرها مبدل به پایتحت‌های اداری شد و صرف نظر از اندازه، شخصیت این مراکز ایالتی تحت تأثیر حضور حکومت قرار گرفت. نوع دیگر مداخله حکومت در شکل‌گیری شهر بود؛ به عنوان مثال شهر اصفهان از تعدادی دهکده و مراکز کوچک شهری شکل گرفت. در چند لحظه کلیدی این موجودیت‌های مجزا تحت سلطه مقاماتی، که

۱. بعض‌ا از این نکته غافل می‌شویم که «بودن متبر در شهری، به اصطلاح قدیم، داشتن مسجد جامع است که کنایه از شهر بودن و دنبود آنجاست». (حاشیه تاریخ باعمی، چاپ بهار و پروین گتابادی، ص ۳۷۰؛ نقل با اختصار از لغت‌نامه دهخدا). م.



از خارج منطقه منصوب می‌شدند، متعدد شدند مثل والی خلیفه عباسی در اواخر قرن دوم و سلسله آل بویه در قرن چهارم. این شهر در نتیجه تحولات محلی و اقدامات خارجی شکل گرفت. شهرهای دیگر ساخته‌های کاملاً رسمی‌اند و در زمرة آن دسته از شهرها قرار می‌گیرند که اخیراً «فرمایشی» نامیده شده‌اند. این شهرها ممکن است یکسره مخلوق اراده شاهان باشند مثل سامرake طبقهٔ متوسط شهری هیچ نقشی در ایجاد آن نداشت، یا شهرهای ساخته شده به دست خاندان‌های سلطنتی باشند نظیر بغداد در عراق، تیمبل در مراکش، سلطانیه در ایران، یا قاهره در مصر که می‌توانستند به مراکز بزرگ شهری مبدل شوند؛ یا شهرهای مرزی چون طرسوس یا مصیصه در کلیکیه^۱ و رباط در مراکش، یا سکونت‌گاه‌های سازمان یافته مسلمانان نورسیده مثل کوفه و بصره در عراق، قیروان در تونس و گرگان در ایران. در عین اینکه شخصیت نهایی و توسعهٔ این شهرهای فرمایشی با یکدیگر تفاوت‌هایی عظیم داشته است، جملگی آنها شروع حیات خود را مدیون حکومت‌اند.

متغیر زمان را می‌توان با سه دوره کلی تعریف کرد. یکی سال‌های آغاز دین اسلام تا قرن سوم: در این دوره اقتدار مرکزی مقبولی وجود داشت؛ ساخت سکونت‌گاه‌های جدید شهری یا ایجاد تغییرات عمده در سکونت‌گاه‌های قدیمی‌تر عمده‌تاً با حمایت خلفاً صورت می‌گرفت و هزینهٔ آن را احتمالاً خود خلفاً یا والیان بلافضل منصوب آنان تأمین می‌کردند. از سال سوم تا هفتم: رشد خاندان‌های سلطنتی محلی، که معمولاً با حمایت سربازانی از قومیت متفاوت یا جمعیت محلی همراه بود و تقریباً یکایک شهرها را به مرکز قدرت مبدل ساخت. این تحول به افزایش اهمیت و ثروت بسیاری از شهرها منجر شد و این دوره با وجود بی‌ثباتی ظاهری سیاسی، دوره رشد و شکوفایی طبقهٔ متوسط شهری بود. در دوره سوم، پس از یورش‌های مغولان دیگر نمی‌توان از وجود الگوی واحد در عالم اسلام دم زد. امپراتوری‌های متواال ایران، بی‌لیک‌های آناتولی^۲ و دودمان‌های کوچک شمال آفریقا و اسپانیا یا نظامهای پیچیده شام و مصر هر کدام تأثیری متفاوت بر شهرها گذاردند.

شرح متغیر موقعیت منطقه‌ای در توسعهٔ شهرها از همه دشوارتر است: زیرا ویژگی‌های متفاوت بسیاری دارد که دو ویژگی را می‌توان متمایز ساخت. یکی از آنها منابع آب و نحوه توزیع آن است. الگوی شکل شهرهای مصر یا بین‌النهرین، که در امتداد رودخانه‌های بزرگ دارای طفیان‌های منظم و نامنظم بودند، ضرورتاً با شهرهای متکی بر قنات مانند شهرهای ایران، شهرهای آبانباری مانند بیت المقدس متفاوت بود. ویژگی دیگر حضور و ماهیت سکونت‌گاه‌های پیشا‌اسلامی بود. مراکز اصلی دمشق یا حلب با عماری‌های سنگی باستانی خود به مراتب کمتر از مراکز اصلی سمرقند یا نیشابور تغییر می‌کرد؛ در دو

۱. نام منطقه‌ای در جنوب شرقی آسیای صغیر که در دوران پس از اسلام جزء «شامات» محسوب می‌شود. و.

۲. ملوک الطوائف ترکمن که پس از پیروزی سلجوقیان بر امپراتوری بیزانس در اواخر قرن پنجم، تا ظهور امپراتوری عثمانی بر آسیای صغیر حکم می‌رانند. و.

شهر اخیر تصرف‌های متوالی بیشتر در جوار یکدیگر روی می‌داد تا اینکه منطبق بر یکدیگر باشد و شهر روی شهر پیش ساخته شود. تنها در مورد محدودی از مراکز شهری تاریخی این گونه از عوامل تاریخی، آب‌شناختی یا جغرافیایی صورت گرفته و هنوز نمی‌توان به تعمیم این یافته‌ها به شکلی معنادار پرداخت، هر چند هر سیاح یا مورخی متوجه تفاوت‌های بارزی می‌شود که تقریباً یکایک بخش‌های جهان اسلام را به لحاظ ظاهر و حال و هوا از هم متمایز می‌سازد.

با در نظر داشتن همهٔ این متغیرها تنها می‌توان طرحی کلی از سیمای شهرها و ساکنانش به دست داد. جدیدترین مورخ شهر اسلامی، ضمن پذیرش این حقیقت که هر شهری متفاوت و بی‌همتا بود، در هر یک از آنها شماری نهادهای یکسان سنساسی بود و آنها را، دستگم در قرن پنجم، «حکومت ارتش غلامان، محلات و اجتماعات دینی به شکل مکاتب فقهی» برسمرد. اما مورخ قرون وسطی همین شهرها را به شکلی بسیار متفاوت توصیف می‌کند. جاخط، ادیب بزرگ قرن سوم، در پاسخ به پرسشی دربارهٔ شهرها گفت: «ده کلان شهر (امصار) بزرگ وجود دارد: بغداد و فضایل شریف، کوفه و اربستانی، بصره و صنعت، مصر [شهر فسطاط مصر] و تجارت، ری و جفاکاری، نیشابور و بیدادرگی، مرو و آzmanدی، بلخ و لافزني، و سمرقند و استادکاری». مقدسی جغرافی دان که به نقل این سخنان پرداخته سپس به شرح دیدگاه‌های خود از همین گونه می‌پردازد - که به همان گونه که احتمالاً پسند هم‌عصرانش بوده برای درک چگونگی شهرهای آن روزگار فهم‌نایذیر است. جاخط و مقدسی ادیب بودند و هدف‌شان هم آموزش و هم خشنود یا سرگرم کردن بود. و گرچه امروزه تأثیر گرفتن از این نوع خاص قضاوت مردمان آن ادوار دربارهٔ شهرها دشوار است، نکته این مثال‌ها این است که غیر از سه عنصر مورد بحث یک مورخ اجتماعی، یک عنصر ارزشی هم در مورد شهر اسلامی وجود دارد که همانا عبارت است از کیفیت آن. از سویی تحلیل علمی این عنصر به سختی امکان پذیر است، بهویژه در خصوص کیفیات اخلاقی‌ای که جاخط به کار برده است. اما از سوی دیگر، این نکته حاکی از وجود ذاته‌های از شهری است که شاید بتوان با قدری دقت به جداسازی آن در شهرها پرداخت. سرانجام اینکه منابع قرون وسطی و مطالعات باستان‌شناختی به شرح ثروت شهر می‌پردازند. بعضاً ثروت شهرها را تحت عنوانی خشکی چون فهرست خراج بیان می‌کرند ولی اغلب ثروت با توصیف محصولات یا فعالیت‌های خاص شهرها بیان می‌شد، مثل اشارات مشهوری که از تولید مصنوعات فلزی مرصع در هرات و موصل یا شرح ابن حوقل از توانایی‌های زارعی شهرهای منطقه فرات میانی در دست است.

در تلاش خود به منظور ترسیم چهرهٔ شهر سنتی اسلامی به بحث در مورد پنج بن‌مایهٔ ذیل می‌پردازیم: محلات، جامعهٔ دینی، ثروت، حکومت و ذاته در نتیجه‌گیری. سعی خواهیم کرد این بن‌مایه‌ها را طی ملاحظاتی وسیع‌تر دربارهٔ ویژگی‌های شهر اسلامی و طبقهٔ متوسط سوداگر و شهرنشین به هم گره زنیم.

محلات

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

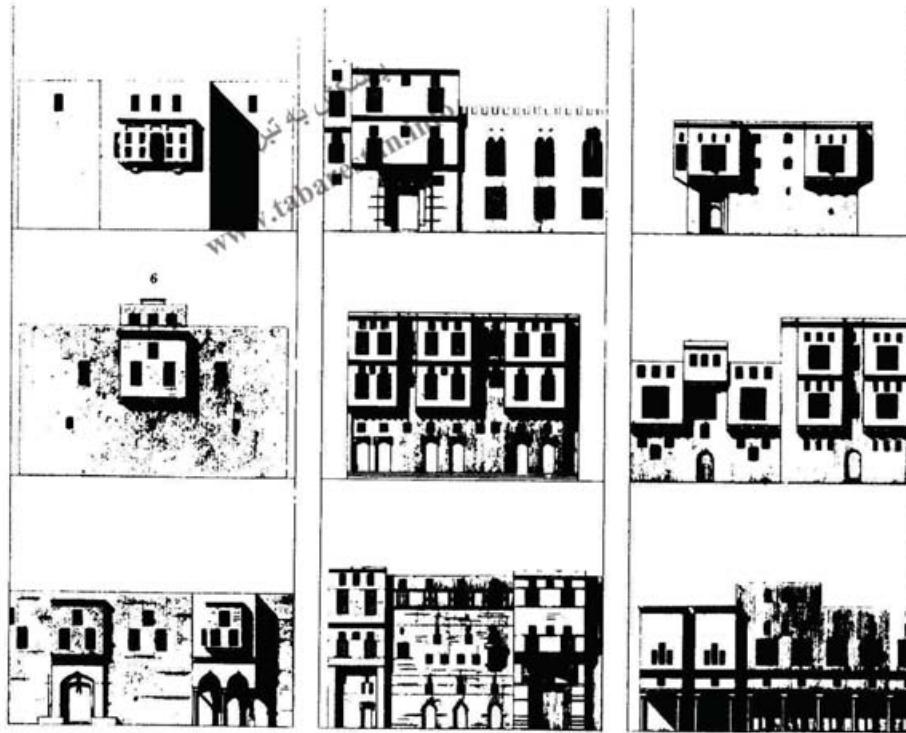
هر کس که در دورهٔ معاصر، دست کم پیش از جنگ جهانی دوم، به خاور نزدیک سفر می‌کرد از تقسیم شهر مسلمانان به محلاتی به‌واسطهٔ پیوندهای خیالی یا واقعی، قبیله‌ای، اعتقادی یا علقه‌های دیگر ساکنانشان آگاه بود. به طور کلی فرض بر این بود که الگوهای دوران پیشامدرن را می‌توان به دوران قدیم تر نیز انتقال داد، گرچه همین امر مستئله‌ساز می‌شود.

شیوهٔ متداول زندگی طبقهٔ متوسط شهری عبارت بود از زندگی در منزلی خانوادگی موسوم به دار. این خانه در بیشتر موارد، صرف نظر از بزرگی یا کوچکی خود، یک محوطهٔ باز مرکزی - یک حیاط و در مواردی چند، به عنوان مثال در مرو، فضایی گنبددار - داشت و تعدادی اتاق یا بیت که ورود به آنها از فضای مرکز خانه صورت می‌گرفت. تفاوت میان خانه‌ها در ابعاد و تعداد اتاق‌ها یا بیوت، وجود یا نبود حوض و آبנה، تزئینات نقاشی یا گچبری، و امکانات خصوصی بود. همیشه یک مستراح ساده در خانه وجود داشت اما معدودی از خانه‌ها نیز حمام سرخانه داشتند و ادیب خبرکشی چون تنخوی در قرن چهارم گوید تاجری ثروتمند در بغداد پولش را در مستراح خصوصی خود نگاه می‌داشت. معدودی از خانه‌ها در گاهی‌های مزینی در قسمت ورودی داشتند. یکی از قدیمی‌ترین خانه‌های نسبتاً ارزشمندی، که تاکنون از گذر زمان جان به در برده است - از مجموعه‌ای شش واحدی یافته شده در قصرالحیر شرقی متعلق به صدر اسلام - دارای یک ورودی بود که به دهلیزی بلند و تاریک و در انتهای آنها به حیاط مرکزی متنه می‌شد.

دلایل فراوانی برای عدم تظاهر و جلوهٔ خارجی بنا بیرون خانه‌ها وجود دارد. بی‌تردید یکی از آنها حفاظت از حریم خصوصی همسران، فرزندان، خدمتکاران و بندگان بود. هزار و یک شب پر از ماجراهایی است که تنها در قالب زندگی خانوادگی به‌شدت بسته فهم پذیر است. دلیل دیگر کارکردی بود و عبارت بود از پرهیز از جلب توجه به ثروت به سبب ترس از مالیات یا مصادره.

تنها می‌توان نکاتی اجمالی راجع به زندگی طبقهٔ متوسط در خانه‌هایشان برداشت کرد. برخی کسب





أنواع خانه در اوایل قرن سیزدهم. خانه‌های شخصی در جهان اسلام عمدها درون نگر باقی ماندند؛ گرچه می‌توانستند پنجره‌هایی نسبتاً بزرگ هم رو به جهان خارج داشته باشند. اما معمولاً این پنجره‌ها پوشیده می‌شد تا زنان خانه بتوانند بدون دیده شدن بیرون را ببینند.



تکه چوبی کنده‌کاری شده و نمونه‌ای نادر از قرن سوم، که در مصر یافت شده، سند مالکیت خانه‌ای است در فسطاط. احتمالاً خانه بنیادی پارسایانه داشته است. متن آن چنین است: به نام خداوند بخشاپنده مهریان همراه با برکات الهی سعادت و موفقیت دوازده بیست و چهارم این خانه به ... تعلق دارد که آن را به لطف و کرم الهی دریافت کرد.

و کارها و نیز مقدار زیادی از خبرسازی‌ها درون خانه‌ها انجام می‌گرفت. از روی نگاره‌های مینیاتور قرن هفتم می‌توان به بازسازی معدودی از جزئیات داخل خانه‌ها پرداخت: پرده‌هایی که بین اتاق‌ها یا به عنوان تجیره‌ای داخلی آویزان بود، سقف‌های ساده با نظامهای پیچیدهٔ تهویه، کوزه‌ای آب خنک زیر راه‌پله‌ها، تخت‌خواب‌ها و چند صندلی. نخریسی در خانه انجام می‌شد و غذا خوردن احتمالاً رویدادی مهم بود به همراه سینی‌های بزرگ پوشیده با نان و گوشت و میوه در اطراف آن، که مردان گرد آن جمع می‌شدند. غذا را عموماً بیرون می‌پختند و به نظر می‌رسد تا دوره عثمانی فضایی در خانه به نام آشپزخانه ناشناخته بود. در برخی خانه‌ها تعداد زیادی کتاب وجود داشت و آموزش به ویژه آموزش خردسالان تا حدودی در خانه انجام می‌شد. میهمانان می‌آمدند و می‌رفتند، اینها گاه دیگر بازگنان و متمولان، در مواردی غربیه‌ها، مقدسان و مقدس‌نماها، داستان سرایان و مسافران سرزمین‌های دوردست بودند. داستان‌های مقامات حیری فضای یک مجلس یا ملاقات معاریف شهرنشین را نشان می‌هد درست همان موقعیت و بستر سیاری از دسیسه‌های سیاسی ادوار اولیهٔ اسلامی و بحث‌های دینی و فکری ادوار بعد، ماجراهای عاشقانه یا شوخی‌های عملی در همهٔ ادوار معرفی می‌کند. در چنین خانه‌های شخصی است که در نیشابور قرن سوم اول بار نام مدرسه یا نهاد آموزش دینی را می‌شنویم که بعدها با معماری شکوهمندی تجسم یافت.

روابط میان صاحبان خانه‌ها همیشه در صلح و صفا بود. متون فقهی و بقایای اسناد گنیزه / چنیزه / پر از دعاوی بر سر حقوق مالکیت و تعمیرات است. مهم‌ترین عامل اختلاف بر سر مالکیت دیوار میان خانه‌ها و دیگر حق استفاده از گذرها و معاابر بود. عامل اخیر جهت درک شهر اهمیت خاص دارد زیرا به نظر می‌رسد تنشی دائمی میان سیاست‌های عمومی، که خواستار حرکت آزادانه در شوارع عام بود، از یک سو با اینه خصوصی که به داخل حریم خیابان‌ها می‌خزیدند از سوی دیگر وجود داشت. قانون اسلام می‌گفت فضای باز پیرامون یا مجاور بنا به ملک تعلق دارد، اما حدود آن همواره مورد جدال فقهیان در قرون وسطی بود. همچنین مشکلاتی بر سر آب و گهگاه بر سر حقاره آب پاکیزه‌ای که از مخارج حکومت تأمین می‌شد، بعضاً در مورد فاضلاب و گاه نبود آن پیش‌بینی نمی‌آمد. همچنین موضوع استفاده از حیوانات و آسیاب اغلب به اختلاف می‌کشید. عالم اسلام اگر نه به شکل قانونی اما در عمل به سوی مقررات منطقه‌ای حرکت می‌کرد.

محله‌های مسکونی تحت تأثیر متغیرهای چون منابع آب و مصالح ساخته‌مانی غالب قرار داشتند. بیت‌المقدس، که متوکی بر ساخت آب‌ابنار و آباره‌های پرهزینه بود، نمی‌توانست شکل ظاهری دمشق یا فاس را، که سرشار از آب بود، آبی که با حفر آبراهه‌ها به آسانی در دسترس قرار می‌گرفت، را به خود گیرد و هر سه اینها با یزد و کرمان، که قنات‌هایشان آب را از مناطق دوردست می‌آوردند، تفاوت داشتند.

در ایران نزدیکی خانه‌های اغنية به سرچشمۀ آب اهمیت داشت، حال آنکه در سوریه نزدیکی به مرکز شهر یا یادمانی مهم ترجیح داشت. از سوی دیگر می‌شد خانه‌های ایرانی را که با خشت ساخته می‌شد به آسانی ترک کرد و در جایی دیگر برپا ساخت، در حالی که ساختمان‌های سنگی سوریه و فلسطین به مراتب مانندگارتر بودند و مدام مرمت می‌شدند. پایایی بیشتر مالکیت خانوادگی بر اراضی شهری در سوریه و فلسطین موجب قدرت بیشتر طبقهٔ متواتر شهری و از جمله، مسبب محدود کردن ساخت بناهای تجملی و پر عظمت معمول شاهان ایرانی شد. با وجود این و علی‌رغم تمامی تقاوتهای فیزیکی قابل اثبات، درون محله‌های اسلامی پیوستگی درونی وجود داشت. علت این وضعیت غلبهٔ چیزی است که تنهاد خانوادگی نامیده می‌شد. «منزل» یک خانواده مهم‌ترین واحد یا سلول شهر بود؛ واحدی بسته که درون خود تکامل می‌یافت، مرموز و درون گرا.

معدودند شهرهای اسلامی که بدون در نظر گرفتن حومه، یا ریض که در متون به کار رفته فهمیدیز باشند. رشد و تحول تکاملی دمشق و حلب با پیوستن حومه به شهر میسر شد، در بسیاری شهرهای ایرانی، و نیز بغداد و رقه تناوبی میان اهمیت شهر اولیه و حومه رخداد و آهنگ و علل این تناوب بسته به محل فرق می‌کرد.

1. اینبار یا مخزنی در کنیسه یهودیان که به طور خاص جهت حفاظت متون و اسناد مذهبی استفاده می‌شد. به روایتی این کلمه عبری از واژه «گنج» فارسی برگرفته شده است، و

محله صرف نظر از اینکه در شهر کهنه قرار داشت یا در حومه، برای زندگی بود یا زندگی و تولید با هم با خانه‌های فردی متفاوت شد، با مشکلات مربوط به همسایگی در مواردی چون تعمیر شبکه فاضلاب و ایوانک‌های مشرف بر خیابان، و جلسات سخن‌چینی یا روشن‌فکری آن کانون شهر مردم طبقهٔ متوسط سوداگر بود. شهر مدیریتی رسمی و منسجم نداشت، هر چند طبیعتاً واضح است که منتخبی از اشراف، که بر حسب نسب یا بی‌طرفانه برگزیده شده بودند در خدمت به منافع محلهٔ تلاش می‌کردند و تصمیم‌ها و دستورهای حکومت را ابلاغ می‌کردند. احتمالاً شریف رئیس (یا مقدم) بین‌الملل همهٔ نام‌های دیگر برای رؤسای محلات رواج داشته‌اند. اولیٰ پیش از آنکه به شکلی منحصر به فرد به اعقاب پیامبر داده شود - نمایانگر نوعی اصالت تبار بود، در حالی که واژهٔ رئیس اشاره به انتصاب و انتخاب برای جایگاهی داشت. در عین حال، در مورد هر دو واژه تحولات یا تفاوت‌هایی در معنا در مناطق گوناگون وجود داشت. نهاد طبقهٔ متوسط، به‌طور رسمی یا غیررسمی چندین وسیلهٔ اعمال فشار در اختیار داشت. مهم‌ترین آنها نوعی نیروی شبه‌نظمی تحت نام عیاران، احداث یا فتیان بود که بخشی شبه‌نظمی و بخشی مشکل از زندان بود که گهگاه زمام فعالیت‌ها و زندگی در شهر را به دست می‌گرفتند و به پاسداری از آن در برابر دزدان و راهزنان می‌پرداختند. شواهدی از موارد برکناری والیان توسط تشکیلات طبقهٔ متوسط سوداگر وجود دارد. در هر حال در امور عملی اختیار دائم مسائل محله در دست قاضی بود، زیرا کلیهٔ مشکلات عملی به دست او حل و فصل می‌شد، از حقابه گرفته تا مسائل مهم ارث. جالب است که تصاویر مقامات همیشه قاضی را به شکل عربی از طبقهٔ متوسط نشان می‌دهد که تنها تفاوت وی با مردمی که به کارهایشان می‌پردازد طیلسان یا فوطلایان است که بر سر و دوش خویش انداده و هیچ‌گاه به صورت شاهزاده‌ای بیگانه نمایش داده نشده است. در واقع در بطن این عالم خصوصی طبقهٔ متوسط سوداگران است که قوانین شرع با همهٔ پیچیدگی جزئیات عملی رشد پیدا کرد و در همین جاست که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و کمک‌های آن به فرهنگ اسلامی صورت گرفت.



www.tabarestan.com

جامعه دینی

شیوه تبرستان
www.tabarestan.info

کانون نظری جامعه اسلامی مسجد یا همان مسجد جامع بود که در گذشته تپیچون امروز، نمایان ترین و بزرگ‌ترین بنای شهر به شمار می‌رفت و همه مسلمانان به آن دسترسی داشتند. اما مسجد جامع، یا عبارت رایج‌تر آن جامع، که از قرن چهارم یا پنجم به بعد بدان نامیده شد، از بسیاری جهات بیش از آنکه نمایانگر کلیت جامعه شهری معین باشد، نماد و ایزار حوزه اقتدار خلیفه و عمال او بود. در کلان‌شهرهای وسیع دیگر مفهوم مسجد جامع بیش از اندازه دور و احتمالاً بیش از آن بی‌هویت شده بود که معرف راستین امت باشد. بنا یا نهاد دیگری معین باشد، نماد و ایزار حوزه اقتدار خلیفه و عمال او بود. در کلان‌شهرهای شهر بود. این بنا یا نهاد عبارت بود از مصلی، که معنای تحلل‌اللطفی آن جای نمازگزاردن است. معمولاً هر شهر مصلایی بیرون باروی شهر داشت که اغلب، به‌ویژه در ایران، داخل یا نزدیکی یکی از گورستان‌های مهم قرار می‌گرفت و عموماً فقط برای مراسم مردمی و اعياد دینی استفاده می‌شد و به نظر نمی‌رسد تداوم گونه‌شناختی مساجد جامع را داشته باشد. کارکرد عملی و شهری مصلی هنوز هم بسیار مبهم است اما طرفه اینکه در مراکش و معدودی از شهرهای اسپانیا آن را شریعت^۱ می‌نامیدند.

به جز مسجد جامع و مفهوم مبهم‌تر مصلی، تقریباً از همان آغاز مساجد کوچک‌تر و پرۀ محلات و قبایل وجود داشت. بعدها شمار و ماهیت این محل‌های اختصاصی گردهمایی و عبادت تغییرات فراوان یافت. تا پایان قرن هفتم در حلب ۲۰۸ مسجد درون شهر، ۱۰ مسجد روی بارو و حدود ۳۰۰ مسجد در ربع آن قرار داشت. ارقامی مشابه برای دمشق، قاهره و فاس ذکر شده است، به‌طوری که در حدود قرن هفتم،

۱. شاید مؤلف دانشمند که فضل تقدم و تسبیت ارزشمند وی بر کسی پوشیده نیست در این اظهار حریت از دیگر معانی واژه شریعت غفلت کرده باشد؛ همین طور است مصلی که غیر از نمازگاه، سجاده، بوریا، جانماز و عیدگاه (محل برگزاری نمازهای عید فطر و قربان) بیز معنی دهد. مصلی یا عیدگاه شیراز مشهور است (اکنار آب رکناباد و گلکشت مصلی) و گویا بعدها از همین نمازگاه‌ها به عنوان گردشگاه استفاده شد. یکی از معانی دیگر شریعت جای به آب درآمدن، جوی بزرگ و کناره‌آبی است که خلائق از آن خورند. باید معلوم کرد چند تا از شریعت‌های مورد اشاره مؤلف در معرض چنین ظنی قرار می‌گیرد. م.





شهر زنده وحدتی منسجم و سازمان یافته داشت - امور عمومی و شخصی - قدسی و دنیوی بدون هیچ گونه احساس تنفس در هم امیخته بودند. دو قطب زندگی طبقه متوسط عبارت بود از مسجد و بازار، که اغلب در نزدیکی یکدیگر ساخته می شدند؛ زیرا در اسلام هیچ قبحی در علاقه به کسب نیست! این چشم‌انداز گسترده شهری در ترکیه (آنکارا) را نقاشی فرانسوی در قرن دوازدهم کشیده است. حجره‌های تجار گردآوردهای میدان را گرفته‌اند. زنان با وجود حجاب خود از آدانه با مردان خشن و نشر دارند. در قسمت عقب تصویر نزدیک مرکز، اشکوب دوم خانه‌ای شخصی دیده می‌شود. زیرا آن تصویر صراف یا گوهری در حال توزیع کالای خود است. در کنار او مسجد قرار گرفته است و در سمت راست تصویر صحنه‌هایی از امور خانگی و عدایی در حال طبخ، تتفین و باغدلگی دیده می‌شوند. بیرون شهر چیدن پشم گوسفندان و در دور دست کاروانی که عازم سفر می‌شود تصویر شده‌اند.

۷۸۵ مکان مقدس در آنها وجود داشت، شمار مساجد ایران و عراق به این بزرگی نیست و بسا که گونه‌های همتراز مهم منطقه‌ای در تکامل مسجد پیدا شده باشد. در هسته عرب جهان اسلام معمولاً مساجد به گروه‌های اجتماعی نسبتاً مشخص اختصاص می‌یافتد، که بر حسب محله یا خانواده و نیز بر حسب کسب و کار یا حرفة تعریف می‌شوند. چه در مورد مسجدی در بغداد که در پی رویای پیرزنی در قرون اولیه احداث شد و چه در مورد مساجد توبه که جایگزین میخانه‌ها و فاحشه‌خانه‌ها در حلب یا دمشق قرن هفتم شدند، این نیازها و خواسته‌های محلی بود که به ایجاد چنین بنایهایی منتهی شد. این بنایها بعضاً مثل مسجد اقمار در قاهره نمونه‌ای عالی از معماری و تزئینات بودند که شکلشان با ضروریات پیشین زندگی شهری انطباق



داشت. نمونه‌های دیگر، مثل مسجد کوچکی که اخیراً در سیراف حفاری شده بسیار محقر بودند. برخلاف خانه‌های شخصی، مساجد غالباً در پوسته خارجی خود دارای عناصر پیش‌آمده چون دروازه، تریئنات، و بهویژه در شهرهای ایرانی قرن پنجم و ششم مناره‌های بلند و زیبا بودند. طرفه اینکه چندین مناره مشهور در اصفهان و اطراف آن، که مساجدشان از میان رفته، با حمایت مالی تشکیلات محلی ساخته شده، نه شاهان و حتی روی یکی از آنها از مقام یک رئیس یاد شده است.

در مورد مدرسه نیز، که پس از مسجد دومین بنای مذهبی رایج در شهرهای قرون وسطی بود، می‌توان به نتیجه‌گیری مشابهی رسید. روشن است که در قرن پنجم نهاد خصوصی و محلی مربوط به رجال که در خدمت تقویت دانش و پژوهش تشکیلات سنی بود عمداً مبدل به ابزار حکومت اسلامی شد. صرفاً پس از این تغییر است که اولین مدارس باعظامت ظاهر شدند. اما علت پرشماری آنها (حدود چهل باب در حلب در حوالی سال ۷۰۰ و هفتاد و چهار باب در قاهره قرن نهم) تنها این حقیقت است که آنها در خدمت نیازهای درونی شهرها بودند. یک علت صرفاً نیاز کاری به تأمین رهبران قضایی و روحانی بود، ولی به معنای دیگر مدرسه جایی بود که طبقهٔ متوات سوداگر، که به وقف این تأسیسات می‌پرداختند، توجهات حقوقی خواسته‌های خود را از آنها اخذ می‌کردند. وقتی طبقهٔ متوات شهری قدرت خود را از دست داد

مدارس رو به اضمحلال گذارند، با اینکه به مدت چندین قرن کانون‌های عمدۀ مجموعه‌های شهری بودند، نمونه‌های باشکوه از جمله مدرسه سلطان حسن قاهره عموماً به دست سلاطین ساخته شدند، اما به لحاظ گونه‌شناختی و کارکردی از منابع و نیازهای خاکسارانه‌تر طبقه متوسط ریشه گرفتند.

مسئله به مراتب پیچیده‌تر را سومین دسته از بناهای مذهبی شهر، حرم مقدس پیش می‌آورد که به اسامی گوناگون مانند مشهد (محل شهادت)، مزار (محل زیارت)، قبه، تربت یا امامزاده نامیده می‌شد. در شکل‌گیری حرم حول مقابر اولیاء و نیز تحول سیوهای بزرگداشت رویدادهای مقدس، دو جریان فرهنگی با ریشه‌های صدر اسلامی و حتی پیشاصلامی دلالت داشت: یکی به میراث بردن هزاران مکان مقدس است که جاذب اعتقدای خود را در سلطخ مرمدمی حفظ کرده بودند و به همین علت دیر یا زود تبدیل به مکان‌های مقدس اسلامی شدند. جریان دوم (مشهد گرایشی) تزیون خود اسلام به تمرکز فعالیت‌ها یا تعریف مشروعيت حول افرادی مشخص بود. این پدیده اشکال متعدد به خود گرفت به عنوان مثال تشیع، محل‌های دفن اعقاب علی (ع)-کربلا، نجف، قم و مشهد - را بحدل به اینیه مهم و مراکز زیارت ساخت. واکنش مسلمانان سنی گرایش به تأکید بر پیامبران عهد عتیق (تورات) بود، هر چند مدفن شافعی (فقیه سنت‌گرا) در قاهره مبدل به حرمی مهم شد. مقابر مشایخ صوفیه نیز قداست یافت، هر چند احتمالاً پس از قرن‌های پنجم یا ششم. حتی حنبلی‌های متزهد به برگزار کردن مجالس در گورستان محل تدفین بینان گذار مذهب خود راغب بودند. به مرور، به طرقی که کشف علل آن دشواری‌های خود را دارد، گورستان مبدل به یکی از مهم‌ترین بخش‌های شهر شد که زیارت، جلسات اشاعه مذهب، مجالس دینی و گهگاه حتی ولیمه در آنها برگزار می‌شد که نشانه وجود طیف بزرگی از رابطه با مردگان بود. برعی از این حرم‌ها برای مسلمانان سراسر عالم اسلام معنی داشتند، در نهایت برخی از این حرم‌ها به دست شاهان و اشراف نظامی عمران و توسعه داده شد، مثل قبرستان‌های بزرگ قاهره، مراکز شیعی عراق و ایران، یا مجموعه شاه زند در سمرقند. اما موارد بسیاری هم، به عنوان مثال مقبره یونس در نینوا، توده‌ای از ساخت و سازهای ساده به دست مردم محل و تغییرات اعمال شده به دست همان‌هاست که به صورت مقابری که امروز در معرض دید ما قرار دارد درآمده است. حتی در باب نمونه‌های بزرگ باشکوه مقابر، گرچه احتمالاً شاهان مسئول ساخت بنا بوده‌اند اما این اعتقاد جامعه محلی بوده که موجب احداث و استفاده از آن مکان‌های مقدس شده است. مجموعه کاملی از اقامتگاه‌ها، خلوتگاه‌ها، محل اطعام مساكین، کتابخانه‌ها و بیمارستان‌ها گرد بسیاری از آنها پاگرفت. بسیاری از اینها موقوفه‌های اهالی شهر بودند که در مواردی وقف سلسله‌ای از عرفانی شدند و حلقه‌های رابطی میان شهرهای مختلف بودند؛ به این ترتیب بود که سیاحتانی چون این بطوره می‌توانستند منزل به منزل گرد عالم اسلام سفر کنند. بنابراین، شهرهای مردگان مبدل به شهرهای خدا شدند.

مسجد، مدارس، حرم‌ها و گورستان‌ها مکان‌هایی به مراتب فراتر از آثار یا محوطه‌هایی بودند که مردم در برخی مناسبت‌ها یا مقاصدی اعم از ظاهری (گوش سپردن به صدای خوش اذان)، عالمانه، عرفانی و یا عملی (مثل طلب علاج بیماری‌ها) در آنها گرد هم می‌آمدند. اینها محل‌هایی بودند برای تشکل‌های سیاسی، اجتماعی، فکری و جایی که فرق گوناگون شهروندان مشخص می‌شدند، اجتماعاتی که به نوعی در تقابل با زیارت مکه قرار می‌گرفتند که بزرگ‌ترین عامل وحدت‌بخش امت بود. احتمالاً از آنجایی که این فرقه‌گرایی درون یا پیرامون آین نهادهای اعتقادی شکل می‌گرفت بازگی از فرقه‌گرایی اصولی اسلام شکلی دینی یا دست‌کم اعتقادی به خود گرفت و نیز به همین دلیل بود که مقامات مرکزی غالباً سعی بر ساخت و ساز و دخالت در نهادهای برخاسته از نیازهای شهرنشینان به نفع خود داشتند.

در حالی که بنای مذهبی مرکز اصلی فعالیت‌های عمومی و خاستگاه پیمان‌ها و اعتقادات طبقهٔ متوسط سوداگر بود، اما یکه‌تاز این عرصه نبود. حمام‌ها نیز در کلیهٔ شهرها در سده‌های میانه و قوری چشم‌گیر داشتند و مرکز مذهب اجتماعی بودند. بسیاری از این حمام‌ها از آسیای مرکزی گرفته تا غربناطه بر جای مانده‌اند، و معمولاً بسیار کوچکند و تعیین کاربرد آنها هنوز مستلزم تحقیق است. همچنین سازمان‌هایی نیز وجود داشتند که وابسته به مکان معینی نبودند مثل [انجمن‌های] فتوت که در بخشی دیگر به آن خواهیم پرداخت.

ملخص کلام اینکه، در کنار محلات شکل گرفته از خانه‌های تک خانواری، چشم‌انداز شهری تمدن سنتی اسلام دارای شبکه‌ای از کانون‌هایی گسترده در سطح شهر بود، به شکل مرکز مذهبی متعصبی که محل بیعت و عینیت یافتن صور اعتقادی طبقهٔ متوسط شهری بود درون جامعه اسلامی این صور قرن به قرن تفاوت می‌کرد. در اوایل اسلام، این صورت‌ها قومی و قبیله‌ای بودند، از قرن سوم به صورت مذاهب راست‌کیشانه و از قرن چهارم سنتی و شیعی و از قرن ششم غالباً صوفیانه شدند. با این حال در ورای این صورت‌ها هماره زهدی شگرف وجود داشت، همان‌طور که در بایست اسلام است، که به همان اندازه که در ساخت بناها یا در عبارت تشهّد نمود داشت در افعال انسان‌ها نیز نمود داشت. این توجه به خیر برای دیگران در آن نخل محقری که فصل را با آن آغاز کردیم، پدیدار است، همچنین در مورد آن تاجر بغدادی که ترتیبی داده بود تا پتو و لباس میان اسرای مسلمان نزد بیزانسی‌ها توزیع شود، یا آن دیگر توانگر بغدادی که ایام محبس بندیانی را که به اعمال شوم خویش اعتراف کرده بودند باز می‌خرید. بیشتر این گونه موارد با اینکه در مدارک مکتوب نیامده و در [کتبیه‌های] بناها نیز به چشم نمی‌خورند، مهم‌ترین و معنی‌دارترین بُعد جامعهٔ سنتی دینی را به لحاظ اجتماعی و انسان‌دوستانه تشکیل می‌دهند.

ثروت

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

در اسلام سنتاً مالکیت زمین منبع عمدۀ ثروت بود. شهری چون رقه می‌توانست کارکردهای بسیار داشته باشد، اما یکی از آنها عبارت بود از مرکزیت منطقه‌ای ثروتمند که به تازگی کشاورزی آن باکشت آبی رونق گرفته بود. املاک و کل دهات نه در مالکیت ساکنان بلکه در تملک شهرنشینان بود و به نظر می‌رسید درآمد حاصل از آنها، دست‌کم از قرن ششم به بعد، صرف زیب و زیور شهرها می‌شد.

ثروت حاصل از ساخت مصنوعات نیز تأثیری حیاتی بر زندگی شهرها داشت. احتمالاً برخی کارها داخل محلات صورت می‌گرفت. اما برای بسیاری از مشاغل، چون کارهای آلوده‌کننده دباغان، قصابان، فخاران و امثال آنها، محلاتی مخصوص در حومه شهرها وجود داشت. نظام تقسیم‌بندی تخصص‌ها درون شهرها هنوز هم نکته‌ای قابل بحث است، هرچند اخیراً در سیراف بازار فلزگران کشف شده و الگوی پیشامدern سوق باشکوه حلب یا بازار کاشان احتمالاً ریشه‌هایی قدیمی‌تر داشته است.

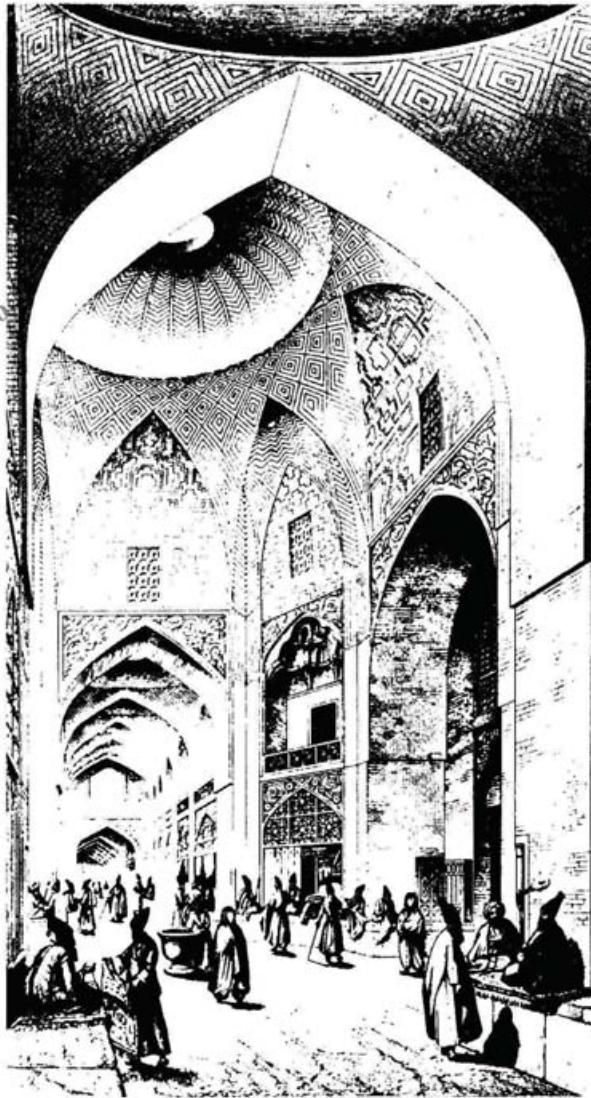
تجارت، سومین منبع مهم درآمد شهر اسلامی چندین تجلی عینی داشت. در حومه شهر کاروانسراهای بزرگی وجود داشت، معمولاً با محوطه‌ای باز در گرد آنها برای بستن ستوران. بهترین نمونه‌ها از این‌گونه کاروانسراه‌ها از قرن‌های دهم و یازدهم در ایران به جای مانده است. اخیراً کاروانسرایی مشابه نیز در سیراف کشف شده است. وجود حمام در مجاورت کاروانسراه‌ها احتمالاً همان نقشی را ایفا می‌کرده است که محل انجام معاینات پزشکی در مرزهای امروز.

داخل شهرها انبارها یا خان‌بارهایی وجود داشت که نام‌های متفاوتی چون خان، فندق، قیصریه و وکاله داشتند. هر یک از این واژه‌ها تاریخچه و پیشینه خود را دارد و تفاوت‌هایی در معنا و احتمالاً در استفاده‌های حقوقی و کارکردی آنها وجود داشته است، اما نکته اصلی این است که در مرکز شهرها - بعضًا در چندین مرکز - بنای‌ای بزرگی وجود داشت که به کار انبار کردن کالا می‌آمد و بعضًا مثل حلب ابعادی عظیم داشتند. معمولاً این انبارها به عنوان جزئی از نظام خیابان‌های سرپوشیده با دکان‌های واقع در دو

پیشکش یه تبرستان
www.tabarestan.info

سوی آن یا سوق، ساخته می‌شدند. اغلب نقشهٔ این مجموعه‌ها یا شعاعی بود که از یک یا چند مرکز چندگوش منشعب می‌شد، یا به صورت خیابان‌های موازی که اینجا و آنجا میدان‌های بزرگ از آنها منشعب می‌شد. مغازه‌ها ساده ولی اینبارها غالباً بزرگ و عظیم بودند. بناهای مربوط به اعمال دینی، سقاخانه‌ها و مساجد کوچک، مدارس علمیه، حمامها و بیمارستان‌ها درون بازار پراکنده‌اند. در دورهٔ کهن معدودی از افراد در انجازندگی می‌کردند، اما مسجد جامع و دیوان‌ها و منازل قیه‌هان و والیان به ندرت دور از قطب تجاری شهر بود. نزدیکی به بازار گرچه به لحاظ موقعیت محل زندگی لزوماً مطلوب نبود، نشانهٔ بازشان و اعتیار فراوان شمرده می‌شد و همان طور که قصر العظم [قصر اسعد پاشا] سوریه، که باید اذعان کرد خیلی هم قدیمی نیست، نشان می‌دهد تنها افراد بسیار توانگر از عهده آن بر می‌آمدند. پیشتر در قاهره بناهای دینی، که جلوهٔ ریخت و پاش خودنمایانهٔ حکمرانان بودند، جملگی نزدیک یکدیگر و تقریباً همیشه در خیابانی مجاور بازارها و میان دو مسجد اصلی ساخته می‌شدند.

تجسم زندگی و فعالیت در مرکز تجاری شهر، جایه‌جایی بی‌پایان مردم، کالاهای چهارپایان دشوار نیست. در برخی نقاط، به ترتیبی که از مقامات بر می‌آید، یک سلمانی - دلاک بساط کار خود را پهنه می‌کرده و مجموعه‌ای از خدمات دیگر هم در جاهای دیگر به چشم می‌خورد: سقایی، طباخی و امثال آنها. اجرای قانون و قدرت در دست محتسب بود که بر اوزان و



سوق یا خیابان مسقفی که مغازه‌ها را در خود جای داده یکی از وجوده مشخصه شهرهای اسلامی است. این نمونه که به صورت واحد معماری بسیار پیچیده‌ای طراحی و ساخته شده است در اصفهان قرار دارد.



مقیاسات، عیار سکه و درستی معاملات نظارت داشت. به نظر می‌رسد مجازات قلب در کسب به مرائب پرشمارتر و شدیدتر از مجازات فسادهای شخصی بود.

هرگونه شرحی از سازمان‌های حقوقی و حرفه‌ای مرتبط با وجه تجارت اسلام مستلزم ذکر موضوعی مرتبط یعنی فتوت است. فتوت جنبشی کاملاً شهری با آینه‌های بیچیده تشریف بود، با مرامنامه‌ای نیمه‌سری و آموزه‌های عرفانی. فتوت هم وسیله‌ای بود برای تدوین و دفاع از نیازهای محلی و هم نظامی در جهت وحدت کشورهای اسلامی شامل تماس‌های اجتماعی و سیاسی. اغلب تمیز آن از نهضت‌های صوفیانه غیرممکن می‌شد و بعداً خواهیم دید که احتمالاً بر هنر نیز تأثیراتی گذارد است. تعیین صحیح رابطه میان عالم رسمی محاسب و عالم خودساخته فتوت دشوار است، اما به هر صورت دوگانگی وابستگی‌ها و تعهدات هرکدام از این دو به درک نکته مهمی منتهی می‌شود که در بخش نتیجه بدان خواهیم پرداخت.

روی هم رفته تجارت چیزی به مرائب بیشتر از منبع ثروت در شهرها بود. تجارت عامل اختلاط فرهنگی در شهر، خاستگاه ایده‌ها و ماجراهای وسیله‌ای بود که از طریق آن همه چیز، از سفالینه‌ای چینی تا داستانی چرند ممکن بود در تمامی طبقات اجتماعی یا از یک سر جهان اسلام به سر دیگر آن نفوذ کند.

حکومت

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

کمتر شهری بی حکومت وجود داشت، یعنی مجموعه پیچیده‌ای از نیروهای همپریتی، نظامی و عقیدتی که معمولاً نمایانگر تشکیلاتی فراتر از خود شهر بود، یا افراد و گروه‌های متفاوتی که متولد آن شهر نبودند ولی بر آن حکومت می‌کردند. چندین نوع بنا نمایانگر حضور حکومت بودند. در ادوار قدیم رایج‌ترین آنها دارالعماره، یا «خانه دولت» بود. دو نمونه از اینها را از طریق مطالعات باستان‌شناسی می‌شناسیم. که هر دو از آثار دوره اموی است. یکی از آنها در کوفه از نوع کاخ - دژ در دل شهر است، دارای صحنه مرکزی که ورود به تالار عام یا به درون خانه‌ای کوچک‌تر، اعم از دفاتر اداری یا محل سکونت از طریق آن صورت می‌گیرد. دیگری قصر الحیر شرقی در سوریه است که تمیز آن از سایر خانه‌ها تنها از طریق سهولت دسترسی و حجم بیشتر تزئینات است. از منابع ادبی چنین بر می‌آید که دیگر دارالعماره‌ها، نظیر آنچه ابو‌مسلم در مرو ساخت بسیار مزین بوده‌اند. اما به‌طور کلی و همان‌طور که از نام آن بر می‌آید دارالعماره چیزی فراتر از خانه‌ای در خدمت جامعه نبود که مقامات منصوب حکومت مرکزی و دیوان‌های مورد نیاز اجرای وظایف عمده‌ای مالیشان را در خود جای می‌داد.

از روی منابع به درستی روشن نمی‌شود که چه موقع و اثر دارالعماره و احتمالاً کارکردهای مرتبط با آن از میان رفت، اما تغییر مشخصی در نام و نوع این گونه بناها پس از پی‌افکنی بغداد به سال ۱۳۹ رخ داد. دیوان‌های اداری از مناطق رسمی و مسکونی جدا شدند و دست‌کم در بغداد، در امتداد دیوار داخلی شهر مستقر شدند. چسبیده به کاخ رسمی خلافت محلی خصوصی که همان قصر یا درباسی درون شهر بود، قرار داشت. این تشکیلات که در بیشتر تخت‌گاه‌ها یافت می‌شد نام‌هایی خیال‌انگیز داشتند، قصر التاج، قصر الثریا یا قصر الخلد. این قصرها که غالباً در میان باغ قرار می‌گرفت احتمالاً فراتر از کوشک‌های کامجویی نظیر آنچه بعدها در اصفهان صفوی و استانبول عثمانی ساخته شد نبوده است. برای طبقه متوسط و دیگر شهرونشینان، کاخ خلافت مبدل به افسانه‌ای شد: افسانه‌ای خیال‌انگیز از توالی رازآمیز کاخ‌های باشکوه داستان‌های هزار و یک شب، قصه پرماجرای هارون الرشید که برای اختلاط با عوام از



قفس زرین خویش بیرون می‌زد، و قصه دهشتناک جهانی که کسی را یارای گریز از آن نبود و وقتی کسی به درون فراخوانده می‌شد یا کفن از آن خارج می‌شد.

در این قصرها به ندرت امور اداری روزانه انجام می‌گرفت. به جای آن دیوان‌هایی وجود داشت. فرم آنها شناخته نیست اما بنایی در سیراف گمان می‌رود عمارتی اداری باشد. به هر حال عجیب اینجاست که در مجالس مقامات حیری اقامتگاه سلطنتی به شکل بنایی غیرمتعارف تصویر شده، در حالی که بنای دیوان یا دارالناظاره به شکل خانه‌های عادی نشان داده شده است.

البته شواهدی که این تصاویر در اختیار می‌گذارد مربوط به ادوار متأخر است و به عراق محدود می‌شود. در این بین نوع جدیدی از دولتخانه پدیدار می‌شود که همانا عبارت ایست از قلعه ایالرگ. همه ارگ‌ها به باشکوهی حلب که از بلندی پشته‌ای نیمه‌طبعی و نیمه‌مصنوعی بر شهر سایه افکنده نیستند. اما در بیشتر نمونه‌های شناخته شده قلعه‌ها بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین آثار شهر بودند، مثل قلعه اعجاب‌انگیزی در بصراء که یکسره گرد تئاتری رومی ساخته شده است. دژها به همان اندازه کهن‌اند که شهرها، هر چند به استثنای مناطق مرزی در دوران صدر اسلام نسبتاً کمیاب بودند. افزایش شمار دژها از قرن چهارم آغاز شد و قدیمی‌ترین نمونه شناخته شده تاکنون، بحسب تصادف یا جزاً، در مزه‌های شمال شرقی اسلام است. این حوقل از ارگ در بخارا ساخته شده که خارج از شهر ولی پیوسته با آن بود، الگویی که در حلب، دمشق، قاهره و غربناطه نیز دیده می‌شود. ارگ صرفاً محوطه‌ای شامل استحکامات نظامیان نبود بلکه غالباً خود شهرکی شامل مسجد، کاخ‌ها، آب‌انبارها، خانه‌ها و جز آن بود.^۱ ساخت یک موجودیت شهری مجزا و بسته که ضمن تسلط بر شهر متفاوت از آن است در بنای اولیهٔ قاهره که در پایان قرن چهارم صورت گرفت وجود داشت و همچنین دیدنی ترین نمونه‌اش در الحمراء غربناطه قابل مشاهده است. همان طور که در مورد حلب نشان داده شده تحول رابطه کالبدی ارگ با شهر نمایانگر تحول روابط میان طبقهٔ متوسط محلی با اشراف نظامی است.

استحکامات در ارتباطی تنگاتنگ با ارگ قرار داشت. شهرهای صدر اسلام، به جز چند استثنای دیوارهای دفاعی نداشتند، اما در قرن چهارم باروهای شهر به شکلی نظاممند پدیدار می‌شوند: دیوارهایی کامل‌آزاد، یا به‌ویژه در شهرهای کهن، بازسازی باروهای قدیم. اطلاعات کتیبه‌های شهرهایی چون دیار بکر، بیت المقدس، قاهره و حلب به‌وضوح حاکی از آن است که تقریباً همیشه متولی ساخت این بنایها حکمرانان محلی و در ادوار پیش‌تر خلفاً بوده‌اند.

یکی از جوهرهای جالب این استحکامات دروازه‌های آنهاست. معمولاً موقعیت آنها به واسطهٔ وضع موجود عوارض زمین یا قرارگیری اجزاء درونی شهر همچون بازارها و محلات، برخی عناصر برون‌شهری چون حرم یا مکان قرارگیری

۱. بنا بر یک فرضیه از واژه «کلات» فارسی گرفته شده است. م.

۲. ارگ به عنوان نمونه‌ای از این دست به ذهن می‌آید. م.



باب الطلسیم در بغداد یکی از آخرین ساخته‌های خلیفه عباسی است. این دروازه را به سال ۶۱۸ میلادی ساختند. کمتر از چهل سال بعد، در ۶۵۷ میلادی به دست مغولان افتاد و دوران خلافت به سر آمد. دروازه در سال ۱۹۱۷ میلادی دست ارتش عثمانی (و.) ویران شد. تزئینات آن سفالی بود. دوازدها با دم‌های چنبه‌زده تندیس انسانی را در تیره طاق در میان گرفته‌اند.

حرفى همچون دیاغی، که معمولاً خارج از دیواره‌های شهر انجام می‌شد، تعیین می‌شد. نام دروازه‌ها غالباً نمایانگر نوعی همزیستی غریب میان عالم سلاطین و شهر است. عالم سلاطین در دروازه‌های سری، مانند باب السر، که بارها در منابع نام برده شده، تجسم می‌یابد، یا در انتقال نمادین دروازه‌ها از شهری به شهر دیگر، چیزی که بر سر دروازه‌های بغداد آمد و ادعا می‌شود یک مورد در حلب نیز صورت گرفته است. دروازه‌ها نماد ملک شاه و اغلب مزین به تندیس‌هایی به شکل شیر و مار بودند. طرفه اینکه در جهان اسلام، از بخارا گرفته تا قاهره که مخالفت عمومی و رسمی از هنر تجسمی ساخت تندیس وجود داشت، در مورد دروازه‌ها استثناهای فراوان بافت می‌شود. اطلاعات ما درباره خاستگاه‌های واقعی این بازنمایی‌ها یا موضوعات خاصی که از آنها تداعی می‌شد ناچیز است. بی‌تردید در برخی نمونه‌ها، بهویژه در آناتولی می‌توان نفوذ تفکر آسیای میانه‌ای، غیراسلامی، کافرکیشی ترکی یا بودایی را طرح کرد. اما در اغلب موارد طلسمات محلی، آیین‌ها و خرافات نیز دلالت داشتند، مثل دروازه شیری که شاه دیلمی در همدان ساخت، دروازه‌های ماردار حلب یا دروازه‌های پیشا اسلامی دارای نمادهای خورشید که در اصفهان مورد استفاده مجدد قرار گرفت. گفته شده است که باب الطلسیم بغداد، که در آن فردی در حال خفه کردن دو اژدهای در طریفین خویش است، تلاشی است در جهت نمایش دقیق و نمادین شکست کر آینی‌ها به دست خلیفه الناصر. در عین حال، غالباً نام‌های دروازه‌ها به مردم و فعالیت‌های شان اشاره دارند و از طریق فهرست اسامی شان، مثل دروازه‌های قرن ششم در مراکش، بازسازی ساختار اقتصادی و قبیله‌ای شهر میسر می‌شود. از طرف دیگر در بیت المقدس نام‌های دروازه‌ها و تغییرات آنها نمایانگر گرایش‌های مذهبی پیچیده شهر است.

کاخ، ارگ، استحکامات، دروازه‌ها و مسجد، بارزترین و مهم‌ترین وجوده حضور دولت در شهر هستند. وجوده دیگر عبارت بود از زندان و گهگاه ضرایبانه، هر چند فرم مشخصی برای این دو ساختار بهوضوح تفکیک نشده است. نمونه‌ای که در مورد آن اطلاعات بیشتری داریم فضای باز بزرگی است که درون دیوارهای شهر یا در حاشیه آن یافت می‌شد. میدان یارچه (که به نظر می‌رسد دومی بیشتر داخل شهرها یافت می‌شد) برای سلیمان و رزه^۱، تمرین‌های نظامی و نیز چوگان بازی به کار می‌رفت. همه اینها بدوضوح اعمالی شاهانه بود. میدانی که این تولون در محله خود نزدیک فسخ‌خاط ساخت داخل شهر قرار گرفته، آن هم با بخش‌ها و دروازه‌هایی خیال‌انگیز که برای برگزاری مراسم و پیوه به کار گرفته می‌شد. گمان می‌رود تمام شهرهای آسیای مرکزی یک فضای باز بزرگ در پایه ارگ خود داشته‌اند. گرچه باید پذیرفت بیشتر این محوطه‌ها عمده‌تا برای فعالیت‌های حکومت به کار گرفته می‌شد و در عین حال برای برپا کردن بازارهای مکاره، بتویله برای عرضه دام نیز به کار می‌رفتند. در بسیاری شهرها، به عنوان مثال دمشق، میدان مبدل به عنصر اساسی توسعه کالبدی شهر شد. در ایران ادوار متاخر، میدان مبدل به کانون تقریباً تمامی فعالیت‌های شهری شد و صور معمارانه جالبی به خود گرفت. اما دشوار بتوان معلوم کرد پیشینه‌این صورت‌گری به چه زمانی بر می‌شود.

نفوذ بی‌واسطه و روزمره قدرت حکومت داخل شهر از طریق شرطه یا پلیس امروزی و نیز از طریق استیفادی مالیات، که سازوکارهای آن چندان روشن نیست صورت می‌گرفت، اما علاوه بر اینها حکومت مسئولیت‌های بزرگ دیگری نیز داخل شهر داشت. به عنوان مثال انبار و توزیع آب تحت نظر حکومت بود؛ همین طور تعمیر و نگهداری شوارع (خیابان‌ها) که آنقدر عریض بودند که اسب سلاطین، شتر بازگنان و خر افراد بتوانند از آن عبور کنند. کاروانسراهای بسیاری به دست شاهان ساخته و نگهداری می‌شد، ضمن اینکه تشکیلات نظامی نیز اهتمامی در این امر داشتند.

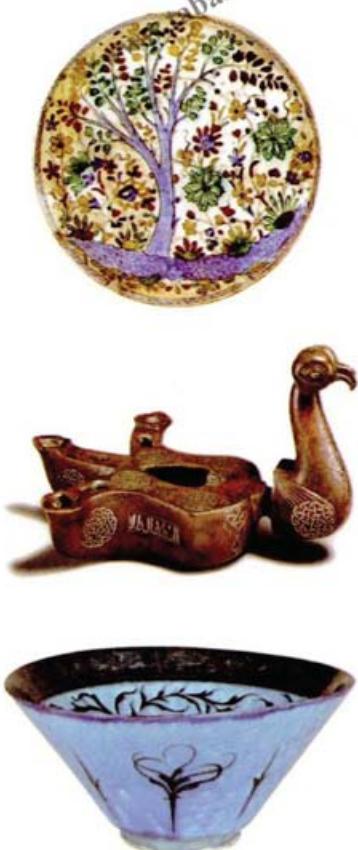


مهرهای گلی که روی قرص‌های نان می‌زند در حفاری‌های مصر به دست امده است. این مهرها انواعی از طرح‌های ساده دارند که بسیاری از آنها جنبه هنری دارند و متعلق به قرن پنجم تا هفتم‌اند.

۱. واژه‌ای است طبری - دامغانی (فرهنگ زبان فارسی دکتر مینو مشیری). م.

ذائقه

بیشکش به تبرستان
tabarestan.info



در بحث‌های پیشین در خصوص اجزای یک مجموعه شهری یک جنبه از ذائقه شهر مطرح شد: خانه درون‌گرا و کنارگذری باریک، یا حرم‌های خصوصی در وسط محله‌های مسکونی یا بازار، عناصر مشخصه ذائقه شدن زیرا زاده نیازهای منحصرآ شهری اند که بر شیوه رفتار و آداب و رسوم شهر تأثیر می‌گذارند. مثال‌های دیگر را در افسانه‌های مربوط به شاهان و در قصه‌های سرزمین دور دستی یا در کارها و نابه کارهای طبقه متوسط شهرنشین می‌توان یافت. بیشتر متون ادبی از اخباری رویش تنوخی گفته تا هنرنمایی کلامی خیره‌کننده حریری از درون عالم تجار و صناعت‌کاران برمی‌آمد. اما فراتر از این ویزگی‌ها یک تحول خاص جهان اسلام در قرون میانه استفاده از هنرهای تجسمی در جهت بازتاب شهر و طبقه متوسط است. این امر بیش از همه در صناعات ساخت اشیاء به ویژه در هنر سفال‌سازی و فلزکاری، که بسیاری از نمونه‌های آن بر جای مانده، نمایان است.

سه جنبه از این هنرهای صناعی ارتباط ویژه با منظور ما دارند. یکی تکامل فون نو است. در سرامیک شامل ابداع لعاب براق و هفت رنگ، و سایر شیوه‌های بهسازی ظرافت و رنگ طرح‌ها؛ در فلزکاری شامل کاربرد دوبارهٔ ترصیع نقره بر اشیاء مفرغی، و اصلاحاتی مشابه در شیشه‌گری و کتاب‌آرایی، جملگی دارای دو ویژگی‌اند؛ یکی ایجاد تأثیرات درخشان و گرانبها تا حدودی که به لحاظ اقتصادی ممکن است و دیگری اینکه در همهٔ این هنرها محبوبیت زرق و برق دادن به اشیایی عموماً ساده از قبیل پارچ، جام، هاون و یا قلمدان دیده می‌شود. نقش‌مایه‌هایی که روی این اشیاء دیده می‌شود، به ویژه آنها که روی سفالینه‌ها کار شده، در تنوع هوش‌ربایند. انتشار تصاویر اشیاء یافت شده در فرشاپور، یکی از بزرگ‌ترین ام‌القرهاهی قرون وسطی، هزاران مضمون را روشن ساخته است، از امثال و حکم و طلب خبر برای افراد روی زمینهٔ بی‌تزمین سفالینه، تا دیگر نقش‌مایه‌های حیوانی، گیاهی و الخ. معمولاً تنوع موضوع‌های تزئینی در مصنوعات فلزی کمتر بود و بیشتر مضامین آنها را محفل شاهانه تشکیل می‌دادند؛ شکار، شادنوشی، چوگان‌بازی، اختربینی و کامجویی. با این حال گهگاه مواردی خلاف این قاعده نشان می‌دهد این تصاویر صرف‌نمایش زندگی سلطاطین نیستند. برخی از اشیاء صحنه‌های زندگی روزمره را به شکلی بسیار دقیق و واقع‌نگر نشان می‌دهند. گروه خارق‌العاده دیگری از مصنوعات فلزی صحنه‌های دارای مضامین مسیحی را در میان سرگرمی‌های شاهانه نشان می‌دهند. کتیبه‌ها حکایت از آن دارد که دلو یا سطل مشهور ببورینسکی در موزه ارمیتاژ به تاریخ ساخت ۵۵۹، و نیز آوندی عجیب به شکل گاو، ساخت ۶۰۰ در همین موزه، مشخصاً برای بازگانان ساخته شده، در حالی که قلمدانی از ۵۴۳ (که آن نیز در ارمیتاژ، و قدیمی‌ترین ساخته به جا مانده کاملاً مرصع کاری شده است) نیز توسط یکی از شهرنشینان برای برادرش که از سفر حج می‌آمد ساخته شده است. آنچه از این اشیاء و بسیاری دیگر نمونه‌های مشابه برمی‌آید این است که بیشتر آنها در قالب نظام بسیار پیچیده روابط شخصی و اجتماعی درون طبقهٔ متوسط شهرنشینین نقش داشتند. آنها هدایا یا صرف‌آشیایی بودند که با زندگی روزمره سروکار داشتند و فعالیت‌های مقرر زندگی را جالب‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌ساختند. نفس تعدد نقش‌مایه‌ها و فون ساخت این اشیاء گواه خاستگاه آنان در شهر است، زیرا میان هنرهای درباری از منطقه‌ای تا منطقهٔ دیگر تفاوتی ظاهر نمی‌شد و ساخته‌ها کمتر از ذات‌هایها و آراء نو تأثیر می‌گرفت، در حالی که طبقهٔ متوسط شهرنشینین نسبت به تفاوت‌های میان اسلوب شهرها و ولایات و نیز تفاوت‌های میان افراد حساسیت و آگاهی بیشتری داشتند.

سر آخر اینکه شمایل‌نگاری این اشیاء، تا آنجاکه امکان گره‌گشایی آنها را داریم مؤید وجود رابطه‌ای تنگاتنگ میان طبقهٔ متوسط شهری به ویژه با هنر سفالگری است. بشقابی اعجاب‌انگیز از قرن سوم در شمال شرق ایران صرف‌دارای تزئیناتی مکتوب، متشکل از نثر ضرب‌المثل‌های يومی یا تخيّاتی متعارف است. مُوجزنویسی نثر منقوش بر این سفالینه خود نمایانگر عالم مقدس‌نما و زهد‌فروشانه بازگانان و صنعتگرانی است که به مذاهب اولیهٔ اهل سنت تعلق داشتند. همانا زندگی خود این افراد یا جهان پیرامون آنان است که بارها بر سفالینه‌های مصری همعصر خود دیده می‌شود. بشقابی مشهور در موزهٔ فریر واشنگتن نمایانگر تمثیل‌های

ادبی عرفانی است، و مردی جوان را می‌نمایاند که از امپال دنیوی دست شسته (که روی بشقاب به شکل اسپی بی‌سوار نشان داده شده است) و به سیر انفس، احتمالاً در روح خویش، می‌پردازد روحی که به لقای حق نائل شده و در وجود حق چون ماهی در آب می‌زید. برای آخرین مثال، روی مشربهای از اواخر قرن ششم در موزه تفلیس شعری بلند وجود دارد که به زبانی گاه بی‌ریا و گاه عرفانی به شرح عشق هنرمند یا صاحب مشربه به آن و قدرگزاری و شکر فوائد آن می‌پردازد. یقیناً تصادفی نیست که هر دو شی اخیر از لحظه زمانی با ظهور فتوت و عرفان در فرهنگ شهرنشینی مقارن است. حتی ماهیت شخصی و خصوصی برخی کتبیه‌های اشیاء قرن هشتم، در قیاس با حالت عمومی‌تر نمونه‌های متقدم، نمایانگر نوع فردگرایانه‌تری از زهد و سلوک دینی پیش از حملهٔ مغول است.

تعیین اینکه آیا می‌توان دامنهٔ هنر طبقهٔ متوسط شهرنشین را به معماری نیز کشاند دشوارتر است. امکانات عملی ساخت بناهای مهم بیشتر موقع در اختیار حکومت بود و اکثر کتبیه‌ها، سلاطین یا ملازمان آنها را حامیان اصلی آثار معماری می‌نامند. با این حال دو حیطه مهم وجود دارد که احتمالاً تأثیر ماندگار خواسته‌های طبقهٔ متوسط بر معماری دست‌کم تا سال ۷۰۰ در آنها مشهود است. یکی از آنها کارکرد بناهاست. به استثنای کاخ‌ها و معماری نظامی تقریباً کلیه کارکردهای عمدۀ، از کاروانسرای‌گرفته تا مدرسه، ابتدا در طبقهٔ متوسط شکل گرفت و رشد کرد یا در خدمت مقاصد آن بود، هرچند جلوهٔ بنایی چون مدرسهٔ سلطان حسن در قاهره، یا برخی کاروانسراهای شاهوار آناتولی احتمالاً از ماهیت سلطنتی آن خبر می‌دهد. دیگر حیطهٔ تأثیر طبقهٔ متوسط شهری فرم‌های خاص است، یا به عبارت بهتر در نحوهٔ استفاده از فرم‌ها. وقتی شخصی در بخش‌های سنتی شهرهای مسلمانان قدم می‌زند و یا از این همه اشیاء ساخت مسلمانان استفاده یا در مورد آنها تفکر می‌کند، پیوسته برداشت‌هایی قابل توجه به ذهن او می‌رسد. قبل از هر چیز حضور همه‌جایی کتبیه‌های است و در پی آن، شیوه‌گستن ضرب آهنگ روزمره در خیابان‌ها به‌واسطهٔ حضور آستانهٔ درگاه یک بقمه یا یک حوض فواره‌دار. در کلیه موارد بیننده بیشتر تحت تأثیر تزئینات درگاه ورودی یا حوض‌ها قرار می‌گیرد تا خود آنها. این تزئینات است که بیننده را وادار به ایستادن می‌کند یا وادار می‌کند که وارد بنا شود یا به استفاده از آن پردازد، او جزئیات طرح را دنبال می‌کند یا در موقعی کتبیه‌ای را می‌خواند و می‌تواند گریزی داشته باشد از فعالیت‌های بی‌انقطع شهر. هدف درگاه ورودی، حوض (یا مناره) یادآوری کلماتی است که بارها در کتبیه‌ها دیده می‌شود: *المُلْكُ لِلَّهِ* (قدرت از آن خداست) یا *الْبَاقِي لِلَّهِ* (خداست که باقی می‌ماند): اینها عباراتی استانده و بی‌معنا نیست بلکه تذکر برترین پیام اسلام است که «هیچ کس و هیچ چیز جزو نیست». از آنجاکه اشکال متعدد زهد و سلوک تا حد زیادی پدیده‌ای منطقه‌ای و مکانی بود، می‌توان گفت در فرم‌های معماری نیز، درست مثل اشیاء، اسلوب خاص طبقهٔ متوسط بروز داشت و مبتنی بود بر طرح‌هایی که از بیننده می‌خواست لختی درنگ کند و به خدا و چیزهایی غیر از امور محسوس بی‌واسطه یا الزامات بی‌واسطه زندگی بیندیشد.

شهر اسلامی: تُش و انعطاف

پیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info

از بررسی حال و هوا و شیوه اساساً توصیفی چشم انداز شهری در ادوار کلاسیک اسلامی نتیجه‌هایی حاصل می‌شود که به نظر من دو تای آنها اهمیتی خاص دارد.

اول اینکه شهر اسلامی را کمتر می‌توان به صورت یک موجودیت اجتماعی و فیزیکی تعمدی، آگاهانه و اصطلاحاً «برنامه‌ریزی شده» تعریف کرد، بلکه بیشتر به صورت مجموعه‌ای است از تنش‌ها در میان قطب‌های مخالف و بعض‌ای کسره ناساز که همیشه در معرض متغیرهای زمان و مکان قرار می‌گیرد. شهر موجودیت تجاری و صناعی است اما بخش اعظم ثروت آن از کشاورزی بدست می‌آید و تفکیک فیزیکی زندگی شهری و کشت زمین هیچ‌گاه چندان واضح نیست. شهر بر حسب بود یا نبود مسجد جامع تعریف می‌شود اما در عین حال حاوی صدھا بقעה و عبادتگاه است. شهر عالم طبقهٔ متوسط محلی است، هر چند اشرافیت نظامی، والیان غیر محلی، معمولاً بیشترین قدرت را در دست دارند. محلات بر حسب گروه‌بندی‌های قبیله‌ای، دینی، یا قومی تقسیم می‌شوند، اما قلب شهر مرکز تجارت آن است که ادیان متعدد و مردانی با خاستگاه‌های متعدد در آن حضور دارند. جهت حفاظت، باروهایی گرد شهرها می‌سازند و چسیبده بدان ربع‌ها رشد می‌کنند. هدف و کارکرد بناها برخاسته از نیازهای شهر است اما فقط دولت است که پول و قدرت ساخت بنای‌های مهم و اصلی را دارد. درون طبقهٔ متوسط نیز تنش‌هایی مشابه رخ می‌دهد، بین همبستگی‌های خانوادگی و حرفاها، بین تشرع سنتی و نهضت‌های عرفانی، بین تعلقات شدیداً محلی و علایق جهانی تر، بین فردگرایی و مصلحت‌های جعلی. تمامی این تنش‌ها در واژگانی معرف نهادها و صورت رسمی شان تجلی می‌یابد: قاضی و محتسب، شرطة حکومت و عیاران یا احداث شهر؛ امیر و رئیس، جامع و مشهد، قصر و دیوان، مدینه و ریض؛ تمامی این زوج‌های نمایانگر تقابل‌های معمولاً حل ناشده میان مجموعه نهادهای موازی است.

اگر پارافراتر بگذاریم نتیجه‌گیری مفیدی حاصل می‌شود مبنی بر اینکه تمامی این نمونه تنش‌های دوگانه چیزی جز تصویر یک یا دو تنش بنیادی ساختاری درون جهان اسلام نیست، که فی‌المثل بر نظام



بيشكش
Bishkash.info

شهری تأثیر می‌گذارد. بدون تردید تنش میان نظامیان و مردم طبقهٔ متوسط، بین تشرع و تصوف، بین خاص‌نگری‌های محلی و نیازهای پان-اسلامی تقریباً در همهٔ زمان‌ها تشخیص داده می‌شود. پس آیا باید گفت هیچ شهر یا طبقهٔ متوسط «اسلامی» وجود ندارد و تنها شماری توسعه و رویداد محلی وجود داشته که تنش‌های درون آن در چهارچوب اسلام بیان می‌شود؟ تا حدودی عمل‌چنین بوده است و برخی از آثار پژوهشی اخیر سعی در تأکید بر خصوصیات محلی در ازای تعیین‌های بسیار کلی فرهنگی داشته‌اند. در عین حال بحث مختصری که در اینجا مطرح ساختیم به نتیجه‌ای دیگر هم اشاره دارد که عبارت است از تداوم و ماندگاری قابل توجه بسیاری از شهرهای مسلمانان - در واقع همهٔ شهرهای مسلمانان به جز شهرهای چون سیراف که از همان آغاز‌کانون واحد و محدود باقیست. وقتی با وجود همهٔ کشمکش‌ها و تهاجمات، ویرانی‌ها و تنش‌ها، عالم اسلام مکرراً بر حسب زندگی شهری آن تعریف می‌شود و وقتی شمار بزرگی از شهرهای طی قرن‌های متتمدی ثروت خود را حفظ کردن بدون اینکه از تیاط خود را با امت از دست بدنه، آیا نباید به این استبتاب رسانید که جملگی وجه مشترکی داشته‌اند، چیزی که به عنوان مثال در شهرهای روسیه مفقود بود و شمار بزرگی از آنها از تهاجمات مغول جان به در نبراند، یا شهرهای لانگ‌دوك^۱ که قرن‌ها طول کشید تا از جنگ‌های صلیبی ویرانگر قرن هفتم کمر راست کنند. تا حدودی همین سیاست نظام نهادهای شهرهای اسلامی است که بدان‌ها انعطاف بخشیده است. شهرهای اسلامی نه نهادهای شهری دوران باستان و نه نهادهای غربی قرون وسطی را به کار گرفتند، آن ساز و کارهای خشکی که می‌توانست موجبات خاموشی آنها را فراهم آورد از آنها دور ماندند. شهر اسلامی، متکی بر مجموعه‌ای از روابط میان افراد و میان واحدهایی بسیار متفاوت بود. روابطی که به ندرت مکتوب می‌شد، ولی نسل به نسل منتقل می‌گشت و می‌توانست همان طور که در قطعهٔ منقول از جاخط در صفحات پیش آمد، به تعریف شهر از دیدگاه اخلاقی و معنوی بپردازد، چراکه شهر مبتنی بر روابط میان افراد بود نه نهادها. این وجه انسانی، بخش بزرگی از جنبه‌های کالبدی شهر را توضیح می‌دهد. خانه‌های زیبای نوساز و بنای‌های چسپیده به آثار مخروبه‌ای که بدوا در خدمت اهدافی مشابه بودند، بازارهایی که پیوسته بازسازی می‌شدند، رابطهٔ بی‌انقطاع با مردمان درگذشته در گورستان‌ها و متروک شدن سهل و آسان قبور مردان فراموش شده. همهٔ اینها از آن رو امکان پذیر بود که این نقش انسان‌ها بود که به جای نهادهای رسمی پا بر جا می‌ماند، و انسان‌ها می‌توانستند خود را با اوضاع و احوال جدید تطبیق دهند. افزون بر این، مطرح شدن هر نهاد یا مسئله‌ای در قالب اسلامی این امکان را به اندلسی‌ها می‌داد که به مراکش نقل مکان کنند و مغربی‌ها رخت به ایران کشند و بیش از نیمی از جهان اسلام زیر نگین ترکان عثمانی درآید. این اسلام است که انعطاف خود را به شهرهای اسلامی و طبقهٔ متوسط آن بخشیده است، نه بدین علت که ضرورتاً از همهٔ مسائل شهری آگاه بوده، بلکه بدان لحاظ که صورت‌هایی انتزاعی در اختیار داشت که حل تمامی این مسائل در آنها میسر می‌شد.

از این روست که تفسیر ویژگی‌های کالبدی اصیل اولیه معدودی شهرهای اسلامی - نقشه نمادین و باشکوه بغداد، ترکیبات پیچیده بازارها در اصفهان و کاشان، طرح‌های چهارگوش هرات - به عنوان تجلیات کیفیات مختص فرهنگ اسلامی دشوار و در عین حال خطرناک است. در بسیاری از این موارد و چشم‌گیرتر از همه در بغداد، الگوی نظری طرح شهر بهزحمت بیش از طول زندگی یک نسل دوام آورد. و گرچه ممکن است کلیت طرح‌های شهری گهگاه از درون عالم اسلام شکل گرفته باشد، لکن غالباً زادهٔ هوا و هوس شاهان و حکومت‌ها بودند نه تجلیات نوعی این فرهنگ. این مورد اخیر در زندگی و آداب و رسوم مسلمانان تجلی یافت و تنها سایه‌های آن در شهرهای ساخته طبقه متوسط به جا نهاده است.

www.tabarestan.info





دو شهر بزرگ اسلامی حلب و بیت المقدس (اورشلیم) هر دو به مراتب کهن‌تر از اسلام‌نده و هر دو مدل به شهرهای مهم کیش نو شدند. حلب قبل از اشغال سپاهیان اسلام در سال ۱۵ شهمری هیتی^۱ آشوری و یونانی تبار پوهد طی هزار سال بعد بیزانسی‌ها، فاطمیون، سلجوقیان، صلیبیون، مغولان، مملوکان و ترکان عثمانی بر سر این دو جنگیدند و این شهرها میان آنان دست به دست شد. ارگ حلب یکی از استوار ترین دژهای جهان بوده است که بر فراز تل وسیع در مرکز شهر ساخته شده است.^(۱) این نگاره از نسخه‌ای از سفرنامه نصوح المطراقی [ملقب به مطرافقچی] در جنگهای سلطان سلیمان قانونی ۹۴۱-۳ است. گرچه این تصویر حالت شماطیک دارد، شهر به درستی کشیده شده است، شکلی تقریباً چهارگوش با ارگی در میان که ورود به آن باگذر از پلی بر فراز خندق صورت می‌گیرد. همچنین مثل دیگر شهرهای اسلامی پر از مساجدی است که مناره‌هایشان در شهر مسلط است.

(۲): بیت المقدس، منظرة هوایی شهر کهنه رو به سرق. در قسمت بالا سمت راست به‌وضوح حرم قدس شریف بر سکویی چهارگوش، که زمانی شالوده معبد هرود را تشکیل می‌داد. دیده می‌شود در مرکز قبة الصخره و در سمت راست مسجد الاقصی قرار دارد که در میان مقدس‌ترین اماکن اسلامی‌اند. شهر کهنه به شکل ستی به محلاتی تقسیم می‌شود که بازتابی است از همزیستی دیرینه‌ی دینی در این شهر. در جهت شمال حرم (یعنی سمت چپ تصویر) محلهٔ مسلمانان قرار دارد و محلهٔ مسیحیان در غرب (قسمت جلوی تصویر) واقع شده است. در سمت راست محلات یهودیان (نزدیک ترین محل به معبد) و ارمنیان است. بیرون دیوارهای شهر دره قدران است و آن سوی آن (که در تصویر دیده نمی‌شود) گوه زیتون.

۱. هیتی‌ها قوم و تمدنی باستانی بودند که در آناتولی و بین‌النهرین شمالی در سده‌های ۱۲-۸ ق.م. یک پادشاهی تشکیل دادند. یا بد میان هیتی‌ها (Hittites) با حتنی‌ها (Hattians) که قبل از ایشان در هزاره سوم تا دوم ق.م. در همان ناحیه ساکن بودند و زبانی غیر هند و اروپایی داشتند، تمایز قابل شد. و.





حمایت طبقهٔ متوسط از هنرها به افرینش اشیای نفیس سبیاری منجر شد که نمایانگر سلیقه‌ای بود که مشخصاً شهری و از آن طبقهٔ متوسط و متمایز از هنر دربار بود.



(۳)

(۳) : این شیء موجود در موزهٔ فریر دارای ترکیبی خارق العاده از صحنه‌های است، برخی مسیحی، شامل ورود به اورشلیم و میلاد مسیح. اما اسلوب نقش‌مایه‌های آن یکسرهٔ اسلامی است و این نشان‌دهندهٔ امتاج جمعیت غیرمسلمان درون شهرهای اسلامی است.



(۴)

(۴): دیسی زرین فام از ری، ایران صحنه‌ای را تصویر کرده که احتمالاً لیلی و مجنون را در مدرسه نشان می‌دهد. آموزگار در مرکز نشسته است. هر یک از شاگردان لوحی دارد که مشقی واحد روی آن تکرار شده است. این ظرف متعلق به قرن ششم است.



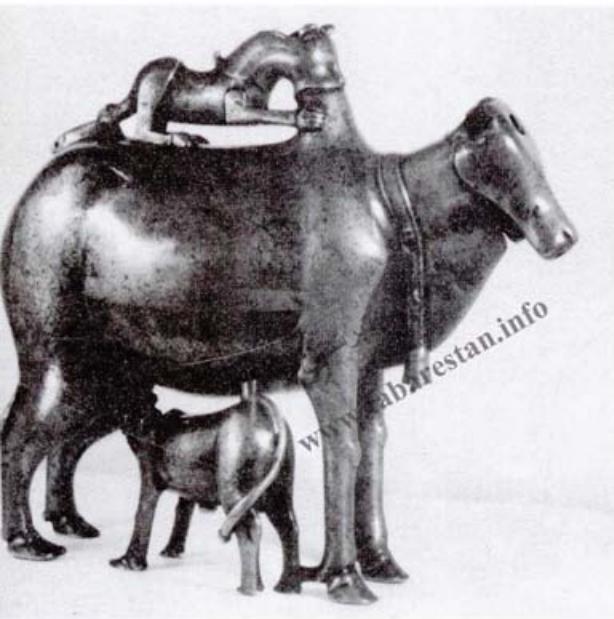
(۶)



(۵)

(۶): آثار فلزی مرصع نظیر این ابریق برنجی غالباً با مجموعه‌ای از تصاویر صحنه‌های درباری مانند شکار، قوش‌بازی و خنیاگری برای تلذذ صاحبان خویش ساخته می‌شد. که افرادی از طبقهٔ متوسط بودند. این نمونه را با مس و نقره مرصع کرده‌اند. ابریق کار موصل است و امضا و تاریخ ۶۳۰ را دارد.

(۵): از موصل در بین النهرین. کوزه‌گلی بی‌لعابی که نقوش پیچیده‌گیاهی و حیوانی به صورت بر جسته‌کاری قالبی دارد. قرن‌های ششم - هفتم.



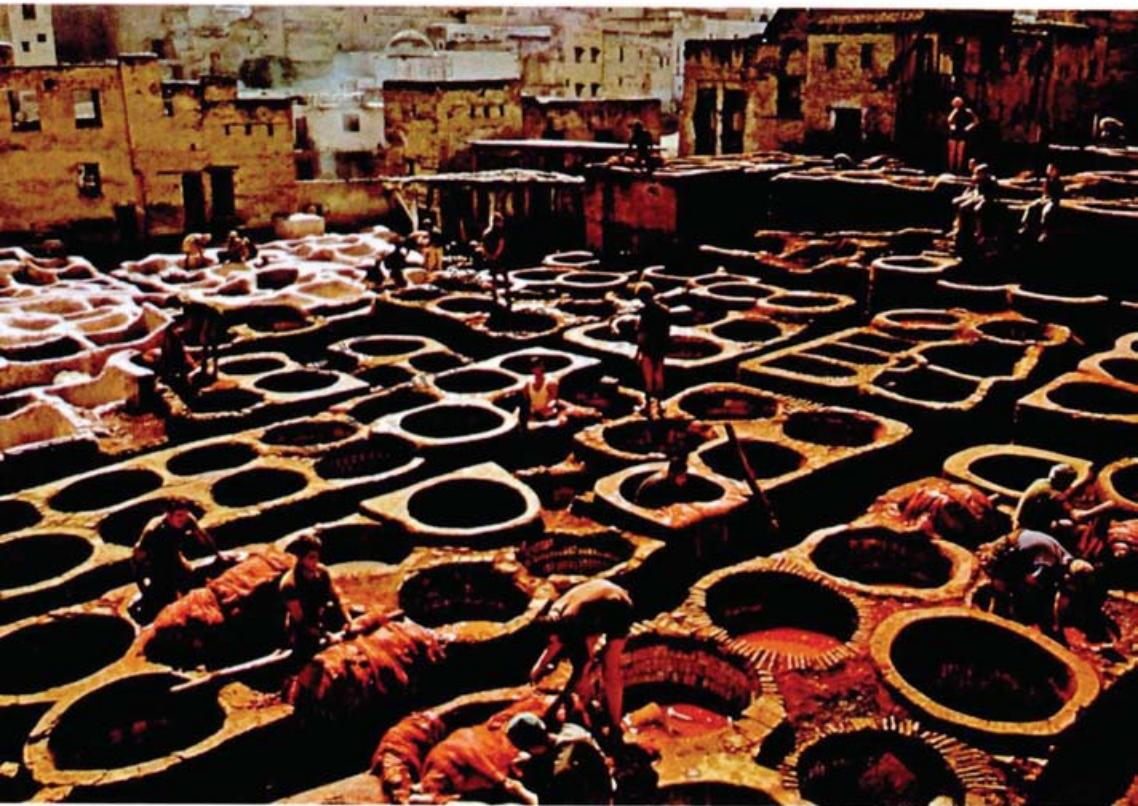
(۸)

(۸): گاوی مشی بچه خود را شسیر می‌دهد. در حالی که به ظاهر بی‌اعتنای شسیری است که به کوهانش حمله ور شده است. این شسیر که برای تاجری ساخته شده بود، نه صرفاً شسیر تزئینی بلکه در حکم آوند آب است. سال ساخت آن را ۳۱۶ دانسته‌اند.



(۹)

(۹): یک خر دوست‌داشتی یا شستروی یک کوهانه، که شکل یک بطربی شیشه‌ای دارد از حلب قرن‌های دوم - سوم.



(۹)

دیگر مشاغل بیماری‌زا یا دارای محصولات فرعی ناخوشایند معمولاً در محالاتی خاص یا در حومه شهرها قرار می‌گرفتند.^(۹) این دیاغ خانه امروز در فاس مراکش قرار دارد. الگوهای زندگی در شهر اسلامی، با وجود مدرن شدن، به طرزی چشمگیر هنوز بر جای مانده‌اند.

حِفَتْ صُورَتْ حَجَّيْ بَنْ شَيْبَهْ



شیبه در وصف در وکنه خ
هنروز و هنر روز و نیکو کش
سر از زیک مام و زیک پ

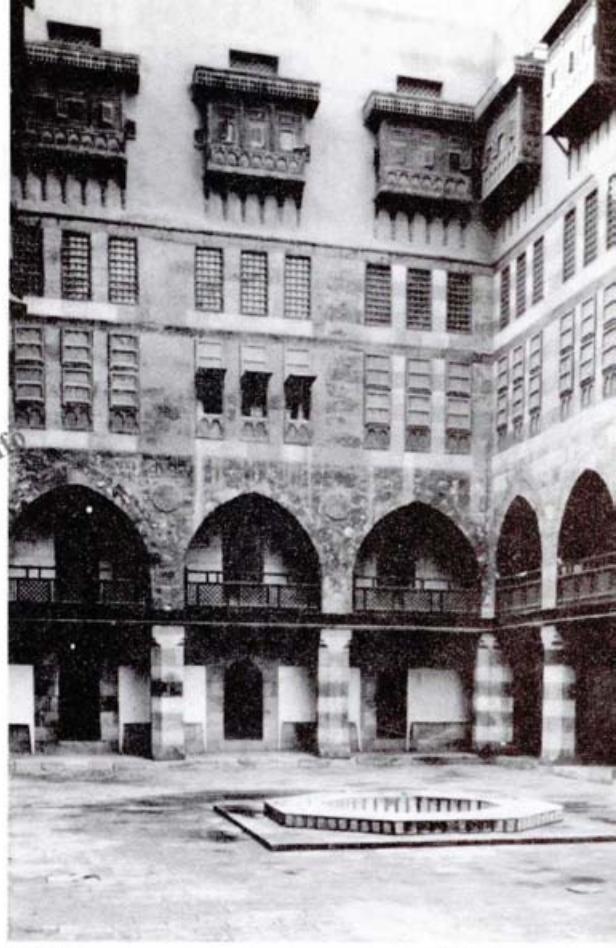
شیبه بند تام از جایگاه
دو دز دوس لار والامنش
سالار و آزم هزار دوازدکه

(۱۰)

در بازار زیر سقفی واحد همه نوع کالا در معرض فروش قرار می‌گرفت. ایده‌ای که تنها این اوخر به غرب رسیده است.
(۱۰) تصویری از اوایل قرن هفتم با قدری خیال‌پردازی، یک گوهری، عطار، قصاب و نانوار انشان می‌دهد. یک‌ایک مغازه‌ها به خیابانی سرپوشیده یا همان سوق باز می‌شود.

کاروانسراها. محل اقامت بازگانان مسافر و قطار ستوان آنها و مهم ترین بناهای شهری مرتبط با تجارت بودند. عمدتاً در حومه شهرها و مثل سقاخانه‌ها حاصل وقف شخصی بودند. (۱۱): این تصویر کاروانسرای الغوری در قاهره است.

بیشکش به تبرستان
www.tabarestan.info



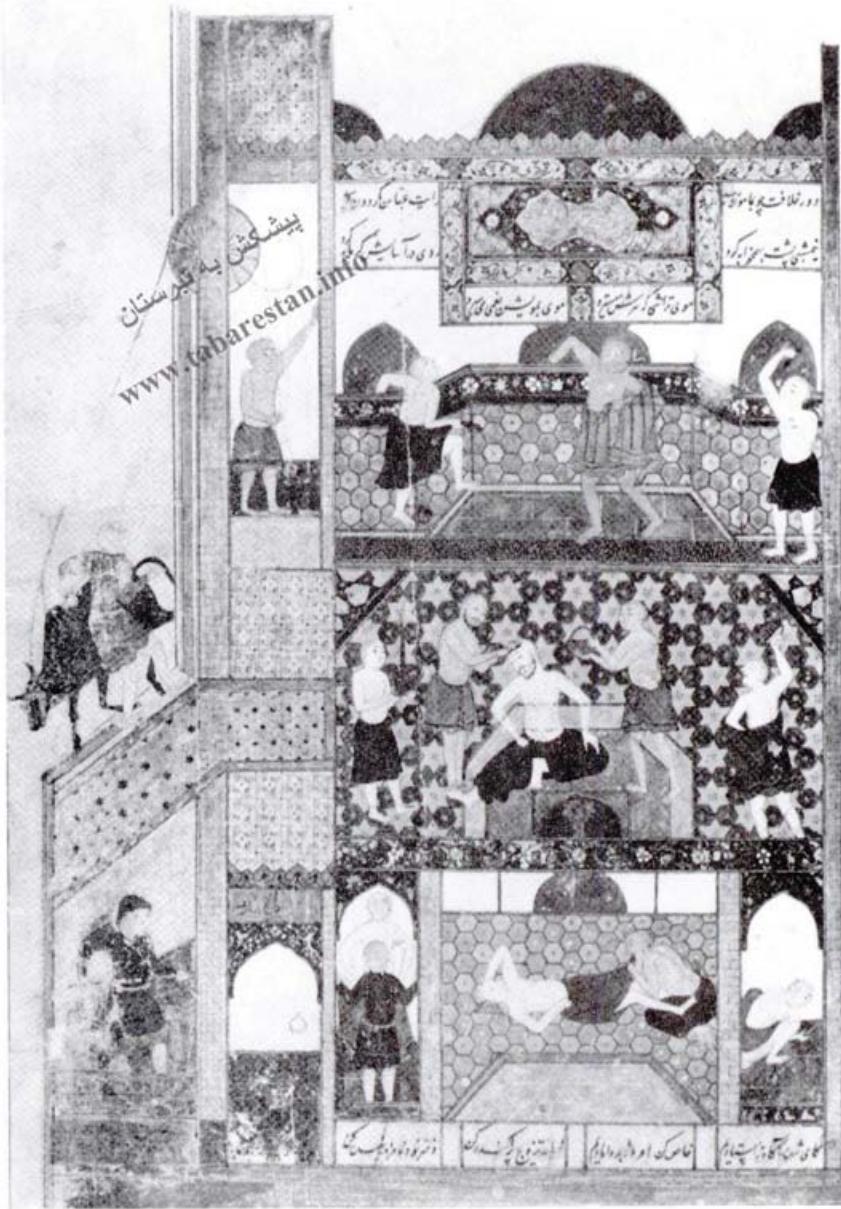
(۱۲) ▼

▲ (۱۱)

بیمارستان‌ها هم مثل مدارس و نوانخانه‌ها در سایه مساجد گسترش یافته و تحت اداره آنها بودند. (۱۲): یک نمونه عالی از قرن هفتم بیمارستان دیوریگی ترکیه است که به سال ۶۲۶ ساخته شده است.

حمام فراتر از مکان استراحت و بلکه نهادی اجتماعی و از اعقاب بالا قsel حمام رومی بود. حمام‌های اسلامی به نام حمام ترک می‌شناسیم. (۱۳): این نگاره مربوط به سال ۹۳۵ خلیفه مامون را در حال تلذذ از تجملات حمام نشان می‌هد او در وسط نشسته و موهاش را کوتاه می‌کنند. در سمت پیپ آب را با استفاده از قرقه‌ای که با تیروی ورز (گاو نر) به گردش درمی‌اید بالا می‌برند. در قسمت پایین مشت و مال دادن مردی را می‌بینیم.





گشیش مه نیرسان
www.tabarestan.info

هزارتوی کوچه‌های تنگ، املاک مجرما را به صورت باقی درمی‌آورد که گرچه فشرده است اما همیشه هماهنگ نیست. مشاجرات بر سر حق دسترسی، تعمیرات، آبرسانی، مالکیت دیوار روی مرز مشترک و اداره چارپایان، همیشگی، و مسبب خشونت و تندگویی‌ها بود. (۱۴) منظرة هوایی از سوق الوادی الجزایر درک وضعیت را آسان‌تر می‌کند.

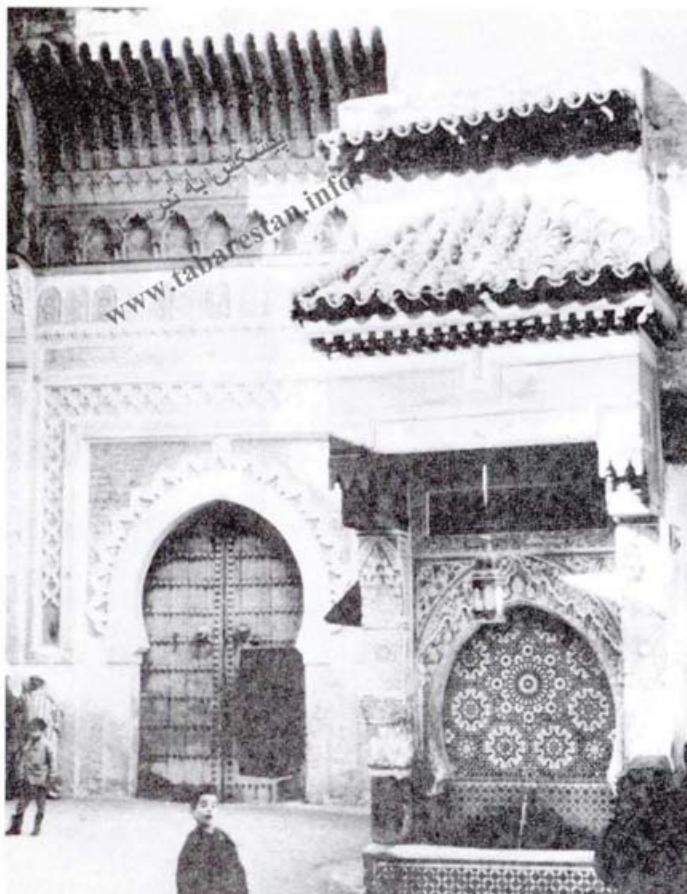


▲ (۱۵)

(۱۶)▼

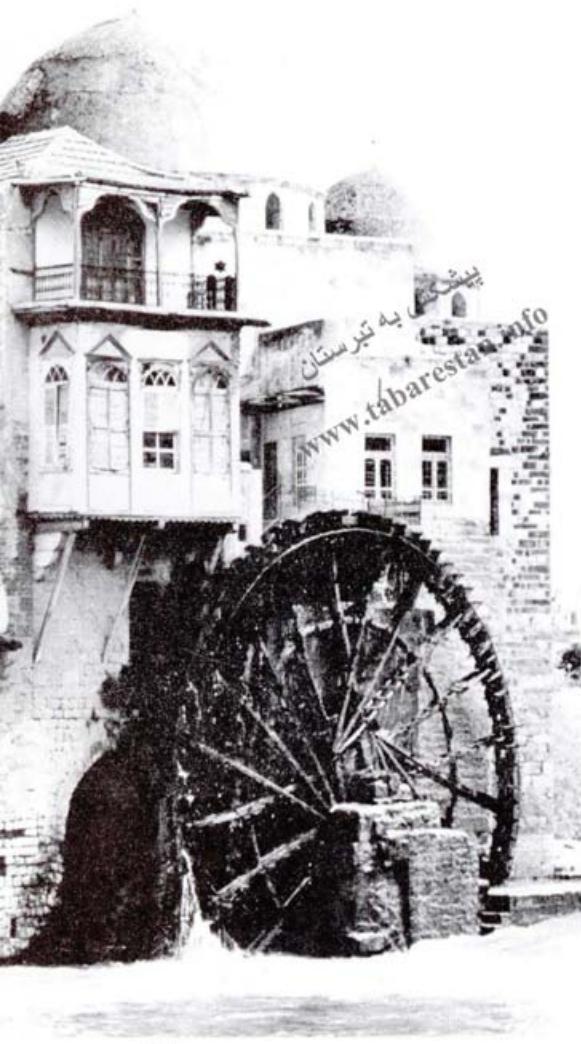


الگوهای مناظر شهری گرچه در سوا اسر عالم اسلام تفاوت‌هایی دارد نمایانگر برخی خصوصیات مشترک است. واحد بنیادی شهر خانه‌های محل زندگی خانوار، یا دار است. (۱۵): در صنعا، یمن تمایل به ارتفاع وجود دارد و تأکیدی عمودی به خانه داده می‌شود که بسیار باز است. اما معمولاً جهت توسعه موازی سطح زمین صورت می‌گرفت و اتاق‌ها گرد یک صحن مرکزی جمع می‌شد. (۱۶): بزد در ایران در جلوی تصویر صحن مسجدی به چشم می‌خورد و پشت‌سر، پهنه متراکم و خانه‌های به هم چسبیده‌ای قرار دارد که حد فاصل آنها با خانه‌های همسایه صرفاً دیوارهای بی‌روزن است.



(۱۷)

آب همیشه از دل مشغولی‌های تمدن اسلامی بوده است. بیشتر کشورهای اسلامی خشک و کم‌باران‌اند. وجود آب، روش‌های جمع‌آوری، ذخیره، و توزیع آن – اینهاست که اغلب عوامل تعیین‌کننده در سکونت بوده و تأثیری قراون در تفاوت خصوصیات ماطق اسلامی دارد. آب در کشاورزی، در فضاهای اجتماعی (حمام‌ها)، در فرهنگ (باغ)، در دین (حوض و ضو) نقش حیاتی ایفا کرده است.



(۱۹)

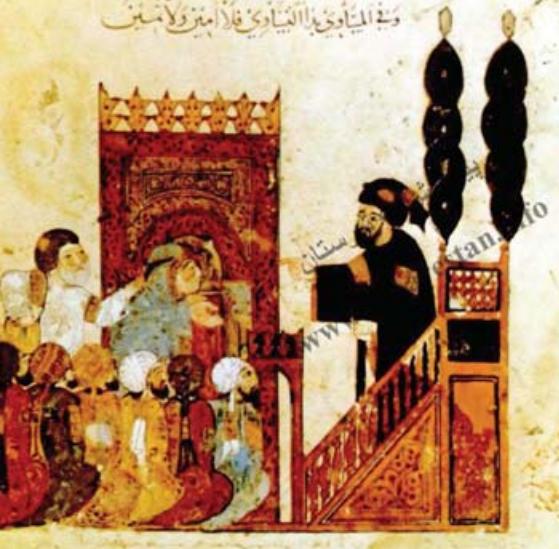
فواره‌ها [فساری، در ایران سقاخانه] اغلب موقوفه افراد بود. (۱۸): فشاری عبدالرحمن کدخدای قاهره. (۱۷): فشاری نجgaran، فاس.



(۱۸)

(۱۹): دولاب‌های عظیم (در عربی ناعوره) در کناره‌های نهر العاصی یا همان نهر ازنس (نام باستانی آن) در سوریه ساخته شده بود. این دولاب‌ها که با جریان آب به گردش درمی‌آمدند آب را در ناووه‌های کوچک بر می‌داشتند به درون مجاري آبیاری اراضی تخلیه می‌کردند. قطعاً در قرن ششم چرخ‌هایی از این دست استفاده می‌شد.

الشافعى الله وآمرين بشجاعه والجائع لآمن الآباء
لذوق حاف ذهابه والهجره داعيه
وبيه الميادين بالآيات فلام يزلاعه



(٢١)

فَلَمَّا رَأَاهُمْ الْمُؤْمِنُونَ طَرَحُوا إِلَيْهِ مَا تَسْرِي الْحَكَمُ إِلَيْهِ وَقَوْلُهُ
الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْكَبَرُ لِلَّهِ بِمَا يَعْلَمُ إِلَيْهِ الْبَشَرُ الرَّغْدُ لِلَّهِ بِمَا يَعْلَمُ الْقَوْلُ الْأَلِيمُ

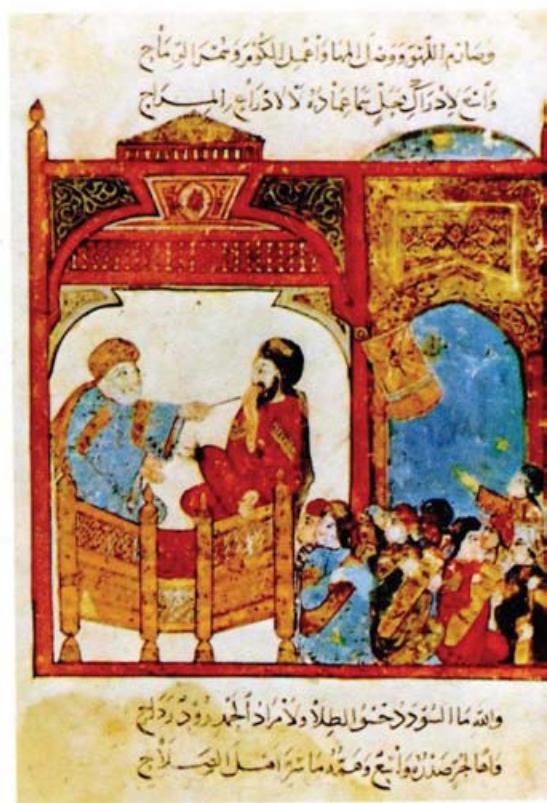


(٢٠)

نگاهی به گذشته با استفاده از تصاویر قدیمی مقامات حریری امکان پذیر می شود که در آن فعالیت های روزمره شهری قرن هفتم با ذکر دقیق جزئیات زنده می شود. (٢٠) درون یک مسجد، که امام بر فراز منبر وعظ می کند. محراب در عقب تصویر و پیروزی در حال حرکت در جمع مستمعان گرد منبر دیده می شوند. (٢١) صحنه معاشر سلمانی با تبع اصلاح و قیچی در قفسه سمت راست.

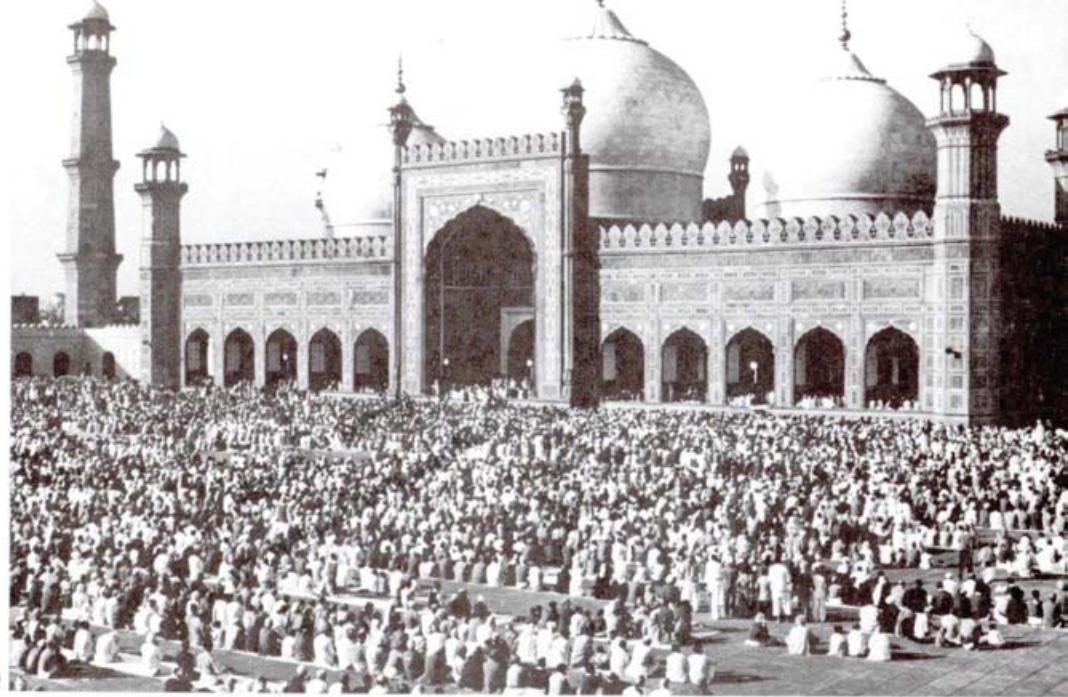


(٢٣)



(٢٤)

(٢٢): کتابخانه عمومی خلوان، نزدیک بغداد؛ کتاب‌ها را به طور افقی در قفسه‌های پشت‌سر روی هم چیده‌اند. (٢٣): مباحثه استادان در مکتب در حالی که شاگردان گوش می‌کنند. ضمن اینکه یکی از آنها عماله به بحث دامن می‌زند.



(۲۴)

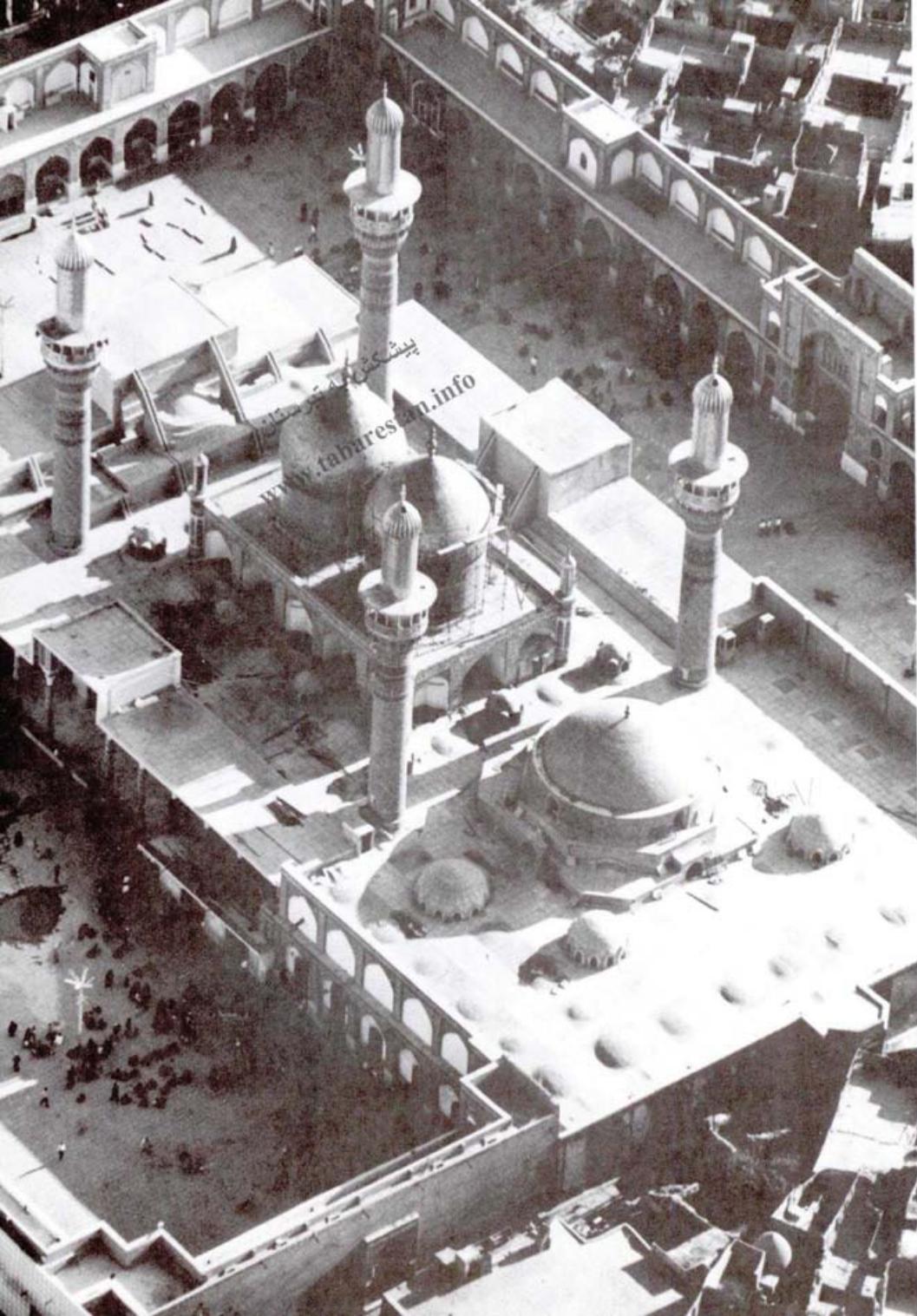
قلب شهر مسجد بود که نه جدا از زندگی عادی بلکه در آمیخته با آن و نماد مشهود وحدت بنیادی تمدن اسلامی بود. این تصویر صحنه‌های اقامه جماعت چهار مسجد بزرگ را در نقاط مقاومت عالم اسلام نشان می‌دهد. (۲۴): مسجد پادشاهی، لاہور. (۲۵): مسجد الازهر، قاهره. (۲۶): مسجد اموی، دمشق. (۲۷): مسجد العسکریه (حرم امامین عسکریین) بغداد، زیر دو گنبد و تن از دوازده امام مدفون اند و کل مجموعه گرد مزار و مشهد آنها شکل گرفته است. [۱]. مرقد مطهر امام علی النقی (ع) و امام حسن عسکری (ع). (و)

(۲۶)



(۲۵)





بیشترین مکانهای توریستی ایران
www.tabarestan.info

(TA)





(۲۸): ورود مسافران به روستایی همراه با نمایش تمامی جزئیات زندگی روستایی (بینکرید به مکان فرازیام). اما حتی این روستا نیز مسجد و مناره خود را دارد. در تمامی این تصویر ترکیبی بسیار جالب از جزئیات دقیق و خنده‌کاری مکان‌ها (دلتانی دیده می‌شود).



احترام به مردگان به خلق مجموعه کاملی از بادمان‌های شهری انجامید: مقابر حاکمان و اولیا. اگر این بناها خود مسجد نمی‌شدند، همانند بغداد، هسته مرکزی مجموعه‌ای از مقابر را تشکیل می‌دادند که مبدل به مکان‌های ملاقات، زیارت و چشم می‌شدند: در نتیجه این امر مهمانسرها، آشیخانه‌ها، کتابخانه‌ها و بیمارستان‌ها ساخته شدند.

(۲۹): مقابر تیموری در سمرقند که شامل مقبره تیمور لنگ می‌شود.

(۳۰): مراسم تدفین از مقامات. قرن هفتم: نمونه‌نوعی یک گورستان با قبرهای گنبددار و در خان همیشه سبز تزئینی.

The World of ISLAM

CITIES AND
CITIZENS

Oleg Grabar / Mehrdad Vahdati Daneshmand





کتاب شهر در جهان اسلام بخشی است از کتاب World of Islam ویراسته برنارد لویس که به وجوده گوناگون فرهنگ، تمدن و تاریخ جهان اسلامی پرداخته است. هر کدام از بخش‌های این کتاب را محقق متخصص در موضوع مربوطه نگاشته و تصاویری منحصر به فرد مباحث کتاب را مستند کرده‌اند که خود دارای ارزش هنری و تحقیقی فراوان هستند. الگ گرایان یکی از برجسته‌ترین نویسنده‌گان در حوزه هنر اسلامی است. او در این نوشتۀ کوتاه اما پرمغز به شهر و حیات شهری در جهان اسلام پرداخته است. دغدغۀ اصلی او تصویر وضعیت زندگی آنچه امروز «طبقه متوسط» می‌نامیم در جهان گذشته اسلامی است. ساختار شهر، طبقات و محله‌های آن، نحوه کسب و کار و داد و ستد در شهر، معماری و ویژگی‌های شهرسازی از جمله مباحث مهم این کتابند.

ISBN: 9786005492361